

بسم الله الرحمن الرحيم **فاتحة** **ملا** **و** **اجعل** **من** **مختار** **المسلمين**

الحمد الذي له ما في السموات وما في الارض وله الحمد في الآخرة وهو الذي يثبت الدين  
أمنوا بالقول الثابت في الدنيا والآخرة والصلوة والسلام على محمد المبعوث بحسب الأديان  
ليصلح الدنيا والآخرة بعد از محمد و صلوة فقير حقير محمد شفاء الله عثماني باني بيتي محمد در مسكونه  
مردن امریت لابد از امر من و ذکر موت و احوال آن یاد داشتن باعث دفع غصه و موت است  
لهذا رساله بزبان فارسی در احوال موت و اموات و قبور از کلام امام المتأخرین شیخ جلال الدین سیوطی  
رحمته الله علیه استفادہ نموده منوید تا فیض عام شود **باب اول** این ابی سبیه از حسن بصری روایت  
که حق تعالی چون آدم و ذریه او را پیدا کرد ملائکه گفتند الهی اینها را کنجائیس خوانده اند حق تعالی فرمود  
که در آیتاموت کردم گفتند پس اینها را از نه کی کو ارا نشو فرمود **باب دوم** اینها را طول مل و هم و احمد از مجاهد  
ذکر کرده **باب سوم** حق تعالی آدم را بنزد این فرستاد فرمود این مل خراب و لید للموت است تا بر موت و در عمار  
بدان برای رخ و معصیت جایز نیست در صحیحین از انس روایت **باب چهارم** حضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که آرزوی  
موت برای رخ نکنید اگر ناچار بکنید بگوئید اللهم اغنی عی ما کانت الحیات خیر الی و تو فنی اذا کانت الیوات  
خیر الی و در نه از قتال موت احادیث بسیار است اگر نگو کار است بد نگو ترز بکنند و اگر بد کار است  
بکنند **باب پنجم** بخاری از ابی هریره از آنحضرت روایت کرده تر نذر و احمد و عالم از ابی هریره  
روایت کرده **باب ششم** مردی پرسید یا رسول الله بهترین مردم کیست فرمود کسی که عمرش در از خود و عیاشی  
نکست پس بدترین مردم کیست فرمود هر که عمرش در از باشد و عیاشی بدین حدیث صحیح است و احمد  
از ابی هریره روایت کرده **باب هفتم** مردی پرسید شد و برادرش بعد از بی مرد طحی رضی الله عنه نهشت

تخت

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or date, located at the bottom of the page.

کرمی که در این کتاب است  
در این کتاب است

خوارزم



رسول

سید ابوالحسن علی نقی  
بنی الیوم فی غلام علی نقی  
سید ابوالحسن علی نقی

مونس ذوق در حقیقت  
مونس را

یمنی الی رفیقان و تراویحی

یہ ہے میرا بیٹا میرا بیٹا



آنکه همسایه او از ورای باغی باشند و از غایت نزد حضرت احمد روایت کرده و تکیه حق تمام اراده میکنی کند با بنده  
یکسال پیش از مرگ آن فرشته بفرستد که حکم کند کار او را و توفیق دهد و آنرا که میرد بر بنکو ترین اوقات او  
پس چون حاضر شود موت و بیند آنچه مهیا کرده است بر او خدا قصد بر آید کند جان او از حوض پس از نگاهداشت  
دارد ملاقات خدا را و دوست دارد خدا ملاقات او را و چون خواهد الله با بنده بدر مسلط کند پیش از مرگ او  
یک سال بطایف که آید کند او را تا که میرد بر بدترین اوقات او پس چون موت حاضر شود و بیند آنچه مهیا کرده است  
حق تمام بر آید از عذاب قصد فرود رفتن کند جان او برابر میگردد داشتی خروج پس نگاه کرده داند بنده ملاقات  
خدا را و خدا او ملاقات او را بعضی علما گفته که سبب سوء خاتم نمودن با الله مناجات چنانند سستی در عاز و خود  
خود و غفای و الدینی و این را دادن مسلمانان و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که مسلمان می میرد از عرق پیشانی او  
الترند و حاکم و حجه عن بریده و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که اگر از پیشانی عرق و آب از چشمان بریزد  
و پره بین فراموش شود پس رحمة خدا بر وی نازل کرده است و اگر از کتف او از مثل آواز شتر فی نوح بر آید و کتف  
تپا شود و هر دو شقیقه او غبار شوند پس عذاب خدا است که در آنکه در و راه الترنند عن سلمان النخاسی و در  
حدیثی آمده است موت مومن بوقت پیشانی میشود و حج مسلمانی نیست مگر از روی گناهی زده است عوض آن ریح در آن  
در و با ناله آنچه باقی مانده است مگر کافران می شود و راه البیقه عن ابن مسعود **فان** سخنی موت مومن و کافر  
بر و را میشود بر مومن رحمت است که کفار گناه در رفع درجه او میشود و کافر را اول شدت است که بوی میرسد و  
کافر بر کافر بسبب بعضی اعمال صالحه وقت مرگ که اگر آیام دنیا است آسانی میشود و عین در حدیث از معجم  
از آنحضرت صلی الله علیه و سلم طبرانی روایت کرده از وهب ابن العورد و بنوری روایت کرده که حق تمام میفرماید که بنده  
از دنیا بر می آید که را که آنکه در حق او رحمة بنوا هم بر گناهی میکند عوض او را بیمار و معتبه در اهل دول و دینی  
معاش و تنگی از فی مبدی و اگر چیز از گناهان او باقی ماند وقت مرگ بر و سخنی میکنم تا که میرد پاک از گناهان



چنانچه بود روز ولادت و اگر در حق او عذاب میخواستیم بر حسنه که کرده است عوض آن او را عذاب بدین و  
فراخی از حق و راحت زندگانی و امن میدیم اگر چه خبر یا قبیح یا فاضل از جنات او مرکب بر وی آید  
تا که بمیرد و هیچ حسنه او را نباشد که از آتش نپاها او بود و این ماجه از عائشه روایت کرده که آنحضرت  
فرمود که مسلمان را ثواب میبرد در هر چیز تا آنکه در سختی وقت مرگ هم و در حدیث صحیح ابن ابی الدنیا  
از حسن بصری در آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که فرمود سختی موت بقدر سه ضربه شمشیر باشد  
ویم او از علی رضی الله عنه روایت کرده بر او ضرب شمشیر آید آن است از موت و خطیب از انسی از آنحضرت  
بمجنبتی روایت کرده و شمشیر را الم موت نباشد مگر مانند خاریدن بناخن بمجنبتی خطیب از قتاده از آنحضرت  
روایت کرده **باب** در آنچه از آن در مرض موت بگوید و آنچه نزد وی خوانده شود و ثلثین میت و بعد  
موت آنچه گفته شود حاکم از سعید بن ابی و قاضی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که  
فرمود هر که در مرض خود اللهم اللانیت سبحانک ربی گفت من را طایبانی چهار خواند اگر در آن  
مرض بمیرد ثواب شهید یابد و اگر نماند رست شود و گمان آن او بخشیده شود و مروزی از بکر بن عبد الله مرزینی  
در حدیثی روایت کرده که گفت هر که را ملک الموت آید و او با وضو باشد او را ثواب شهادة داده شود و احمد  
و حاکم از آنحضرت روایت کرده که هر که آخر کلام او اللهم اللانیت باشد داخل بهشت شود و مسلم از آنحضرت  
روایت کرده که ثلثین کشید یعنی یا دید کسی را که موت او حاضر شود اللهم اللانیت بیعتی در ثواب الايمان  
از ابی اوفی روایت کرده که در حضور آنحضرت صلی الله علیه و سلم غلامی را اللهم اللانیت گفتی که در آن وقت



گفت بسبب عقوبت والدین هرگاه مادرش راضی شد لاله الله الله گفت آن زمان رسول صلی الله علیه وسلم  
 گفت الحمد لله الذی انقذنی من النار یعنی الحمد لله که او را فی حق بسبب منی از آتش خلاص داد و این عاقل  
 از عبد الله المحامدی روایت کرده که در وی را گفته شد که لاله الله الله بگو او گفت که نمیتوانم گفت بودم ضعیف و ناتوان  
 با قومی که مرا میکشیدند بید گفتن ای بکر و عمر رضی الله عنهما **فصل** ابن ابی الدنیا و یحیی از ابی الدنیا  
 از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که بر سر میت اگر پس خوانده شود خدا در بر وی آسان کند  
 و ابن ابی شیبہ و قزوینی از شعبه روایت کرده که در هار نرد میت سوره بقره بخوانند و مردی از جافا  
 بن زید روایت کرده که دوست میداشت و رفت حاضر شدن میت خواندن سوره و بعد از این در ک  
 آسان میشود و میگویند که مردم یکساعت پیش از مردن کسی در حضور آنحضرت صلی الله علیه وسلم  
 این دعا میخوانند اللهم اغفر لغفلک بن فلانة و برود علیه مضجعه ووسع علیه فی قبره و اعطه  
 الراحة بعد الموت و الحقه بنیة و تمهل نفسه و صدق روحه فی ارواح الصالحین و ارجع بقیة و  
 بیته فی دار تبقی فیها الصحة و تدب عنه الثعب و اللغو و یصلی علی رسول الله صلی الله علیه وسلم  
 و این دعا مکر خوانند تا که قبض روح او شود و ابن ابی شیبہ از امام مسلم روایت کرده که گفته شود نزد عترة  
 مسلم علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین و بعد از این از آنحضرت روایت کرده که مکر نرد میت حاضر شوند  
 و آمین بگویند بر آنچه اهل خانه میت بگویند پستتر آنحضرت گفت اللهم ارفع درجته فی المهدیین و  
 اخلقه فی عقبه فی الغابرین و اغفر لنا وله یوم الدین **باب** در احوال ملک الموت و احوال او

یعنی ای بار خدایان که در زمانم مادرش مرا از آتش خلاص کرد و او را سرودن  
 در آنجا کردی در آخر او بود او را راحه بعد موت و ملک او را بر او برگردان  
 و او را روح و باقی و عترة آن روح او را در میان ما و در حقش که نورانی است  
 و او را در آن وقت و در روز قیامت و در روز قیامت و در روز قیامت

و گفته اند که در این دعا و در این دعا  
 و گفته اند که در این دعا و در این دعا  
 و گفته اند که در این دعا و در این دعا

ابن ابی الدنیا



ابن ابی الدنیا از ابن مسعود و ابی عباس روایت کرده که چون حق تعالی ابراهیم علیه السلام را خلیل خود کرد  
ملک الموت از جناب الهی رفتن خواست که ابراهیم را از بنحی بنیاده دهم اذن شد و ملک الموت پیش ابراهیم آمد  
و بنیاده بود ابراهیم حمد خدا گفت بستر گفت ای ملک الموت از دایم کفار را چگونه قبض میکنی گفت ای ابراهیم  
طاقت دیدن نیازی گفت آرم ملک الموت گفت که روی از من بگردان روی کردانید بستر دید ملک الموت را بصورة  
مرد ویر سیاه سر با سمان کشیده می برآید از من او شعله آتش و در تمام بدن بر موی که هست بصورة مرد است که از  
درین شومام او شعله آتش می برآید ابراهیم او را دیده غشی کرد بستر یافت آمد و ملک الموت را بصورة ابراهیم  
دید و گفت ای ملک الموت اگر کافرا را چه رنج و بد نباشد همین بدن صورة تو بس است پس گفت بنما چگونه  
قبض میکنی روح مومنان را گفت رو بر بگردان زمین روی کردانید بستر دید مرد جوان خوشترین مردم در  
حسن و جمال و خوبنتر در پاچه با سفید پاکیزه بستر گفت ای ملک الموت اگر مومنان را نزد مردن دیگر راحته  
و کرامته نهاند بر آنند بدن صورة تو بس است و بنحی ابن ابی الدنیا از کعب روایت کرده و ابی ابی حاتم از  
زهیر بن محمد روایت کرده که از رسول صلی الله علیه و سلم گفتند که یا رسول الله ملک الموت کی است و در صفی  
چنگ از مشرق و مغرب و در میان مردم می میرند فرمود که حق تعالی جمع کرده است تمام دنیا را بر ملک الموت بنما که  
طقت نمرد کی از شما باشد و احمد از معمر روایت کرده که ملک الموت اجل انسان را نمیداند تا که حکم شود قبض  
روح او و ابی ابی الدنیا از ابن عباس روایت کرده که ملک الموت را حکم میشود که فلان کس را در فلان وقت  
قبض کن و ابو نعیم و غیره از مجاهد روایت کرده که تمام زمین مرد ملک الموت مانند طشت است میکشد از هر جا که



خواند و بر او مددکاران بیعی بیکاران اند قبض روح میکنند پس از آنها ملک الموت میگیرد و جو میرد و تفسیر  
 خود از این قبلی روایت کرده که همراه ملک الموت ملکه رحمة و ملکه غذاب اند جان پاک را قبض کرده بملکه  
 رحمة میدهد و جان خبیث را بملکه غذاب می سپارد و این ابی حاتم و ابن ابی شیبہ از ابن عباس روایت کرده  
 که ملک الموت را از عوان اند و بچین ابوالشیخ از غنی روایت کرده و گفته که از عوان ملک الموت میگیرد و از این  
 و هب مرویست که ملکه که همراه او میان هستند همان اجل او را مینویسند و همان قبض روح میکنند و ملک  
 را میسپارند ملک الموت رئیس آنهاست و طبرانی و ابن عساکر از حارث بن اسفنج روایت کرده که  
 رسول صلا الله علیه و سلم ملک الموت را نزد سر در از اینها دید و فرمود این ملک الموت رفیق و مهربان  
 کن با یار من که مسلمان است ملک الموت گفت خوش باش یا محمد من با هر مسلمان رفیق و مهربانم و بدان یا محمد  
 که من روح بنی آدم را قبض میکنم پس وقتی که آدم از گریه میبازد اجل او در خانه او رسیده مینوم و این  
 روح او میبازد و میگویم اگر کسی کند کار نیک بخدا و عالم بر درین کرده ایم و اجل او را سابق نگذرد ایم و حله  
 نه نموده ایم و ما را در قبض روح کنایه نیست اگر حکم خدا را رضی باشند ثواب یا بنده کار نیکوئی شوند کسی کار  
 شوند و بد رستنی که ما نزد شما باز آمدن است و باز آمدن پس هر کسی را باشند و هیچ خانه نیست از نیکوکاران  
 و بدکاران مگر آنکه متوجه میباشم بدان شبانه روز تا که من میباشم بر صغیر و کبیر از پناه تر از نفس من و قسم  
 اگر خواهم که قبض روح یک کسی کنم نیز توانم تا که من نخواهم دید و امام جعفر صادق گفته که در اوقات نماز  
 ملک الموت بر مردم متوجه میشود پس چنین وقت مکرر میکند که را که بر نماز را بر نیکوکارانه محافظه داشت



نزدیک آید و شیاطین را از خود دفع بکند و کلمه <sup>عمر الزکریا</sup> اللهم الله یوفی تلقین کند و این ماجر از ربی امام روایت  
کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که حق تعالی قبض ارواح بملک الموت سپرده مگر ارواح شهادت  
بجز خود قبض میفرماید یعنی یک نیکه برای حج بر چهار سوار میشوند **فصل** رسول فرمود  
صلی الله علیه و سلم که در شب نصف از شعبان نوشته میشود که نیکه در آن سال میبرند  
شخصی که حاج میکند و تولد میکند و نام او در آن موات است و روحی میشود پسوی ملک الموت  
بر آن قبض روح کند و در آن سال حکم مردنشان باشد اینها در حدیث مرفوع و موقوف آمده  
و حکم در مستدرک از عقیده من عامر آورده که اول کسی که موت آدمی را میداند حافظ اوله عمل  
او را میبرد تا آسمان و رزق آدمی آید و فتنه رزق او خارج نشود و آنست که خواهد مرد **باب**  
در میان کیفیت موت مومن و کافر و بیان ملائکه و غیره که وقت حرکت ضرب میشود و آنچه لورا  
بیت میبیند و میشود احمد و ابوداؤد و غیره بطریق صحیح از برای این عارب روایت کردند  
که آنحضرت صلی الله علیه و سلم بر خباز مرده ای از انصار دوسه بار استعین بالله من عذاب  
القبر گفت و فرمود که بنده مومن را وقت حرکت ملائکه از آسمان فرود می آیند و نفس  
کو بار وای شان مثل آفتاب است اما آنجا که نفس را و فرود آید از جنت یا سوزد و وی میبینند  
تا مدنگاه بستر ملک الموت و نه سراسر آنکس میبیند پس بگوید ای نفس مطمئنه یعنی آرامیده  
بذل خدا بر آتسو مغفرت و در حضور روان لو پس بر آید جان جانم قطره از ملکوت معکد



نصفه باسانی پس ملک الموت آنرا میگیرد و از ملک الموت در طرفه العین ملکه که گردن منته بودند میگردانند  
و در آن کفن و خوشبودن داخل میسازند و از آن نفس خوشترین و بویک برمی آید پس آن نفس را بسوی  
آسمان میبرد پس بر هر کرده ملکه که می گذارند میگویند که چه خوشی روح پاکست و امام او یکمال تعظیم میگردانند  
فلان بن فلان است تا که میرسد باسمان و در آنجا آسمان را میباید و میگویند و مسایعه او <sup>ملکه</sup>  
ملکه مقربان از سر آسمان تا آسمان دیگر تا که برسد باسمان بنفسم پس حق تعالی بفرماید بنویسند نامه سزده  
در عیالین و باز برید او را بسوی زمین پس بدست کسی که پیدا کرده ام انبار از زمین و در آن باز گردانیم و از او  
باز بر من آم باز دیگر پس باز گردانیده میشود روح او در بدن او پس بیایند و فرشته پس او را بر من  
پس بگویند من را بگویند کجاست پروردگار تو گوید پروردگار من الله است پس بگویند چیست درین تو  
گوید دینی من اسلام است پس بگویند کجاست این مرد که در میان شما مبعوث شده پس بگوید او رسول  
پس بگویند از چه دانسته پس بگوید خواندم کتاب خدا را پس ایمان آوردم و تصدیق کردم پس  
آواز دهم آواز دهند از آسمان که بنده من در است گفته پس فرست کنند بر او را از جنة و بپوشانند او را  
از جنة و بکشاید برای او دری بسوی جنة پس آمده باشد او را باد خوشی و خوشبوی از جنة و فرشته  
گفته شود قبر او نامه نگاه پس آید نزد او در بر خود پاکیزه لباس خوشبو پس بگوید شاد باشی بخیر  
که آسمان کرد خدا ترا این روز است که وعده کرده شده بود پس بگوید تو کیستی که روی تو  
خوشی و خوبی می آید پس بگوید من عمل نیک تو ام پس بگوید آری پروردگار قیامت قائم کن تاریخ



بسم الله الرحمن الرحيم

ای کما افتاد پس برود و اورا  
از وقت او با و نهند در مکانی نو



منده بود در قیاسی بگویند که کسی که در دنیا بد و ناخوشی می آرد پس گویند که من اعمال بد تو ام پس  
بگویند ای پروردگار قیامت تایم کنی و ابو یعلی و ابن ابی الدنیا از نیم الدار در آن حضرت صلوات الله علیه  
روایت کرده که فرمود که حق تعالی ملک الموت را بفرماید که برو و دست من را در ایام آبر من پس بدست  
که من را در امتحان کردم بخوشی و ناخوشی پس یافتیم او را در دست تر پس بیار او را تا ما کنیم او را  
از پنج باد غبار دنیا پس آید ملک الموت با پلنگه در شسته با آنها کفن با و خوبوار نیست با هر دو با  
آنها باشند دست از ریختن بیج ریخته بکی باشد و بر سرش بیدست برنگ باشند هر رنگ را بگویند علی  
و با آنها هر یک غیب باشد در آن ملک از فرد بنشیند ملک الموت نزد او در کردار کرد شوند ملک هر  
دست فو بر حضور از اعفار او ننهد و بکنند آن هر دو ملک از بر ذقن او در ده شود  
بر او در ز بر پشت و غنیمت طلب شود او را بتخته با بر پشت کا بر پا و داج و کا بر پیشانی  
و کا بر پیموده با چنانچه طفلان را چون میگردند بچرخ ناخوشی و مشغول میازند و از داج او یعنی در پشت  
الشیان کنند او را و جلور و جند کی کنند روح او و ملک الموت بگوید بر آبر روح پاک بگوید  
تخف و بخت کناری خا و طالع مشفود یعنی درخت بافته از بر که رخ آفریده برک دیده شود  
و ظل محدود یعنی سایه دوازده ماه و مسکوب یعنی آبها و روان فرو و آخرت که ملک الموت بابت  
لطفا کند چنانچه والده با ولد کند از پدر آنکه میداند که این روح محبوب است نزد خدا و کریم است نزد دی  
از لطف که در آن روح ملک الموت رضا خدا از خود میخواند پس بکند روح او را چنانچه مورث



خبر کشید مژد و چون روح بر آید ملکه کرد او بگویند سلام علیکم طبعم فادخلوا الجنة بما كنتم تعملون  
یعنی پاکی است شمارا داخل بهشت بجا حال خود پس چنین ملک الموت روح را قبض کند روح را جسد را  
بگوید حق تبارک و تعالی فرموده بود تو بمن جلد بسوز فرمائی بردار خدایا و دور از معصیت او پس  
گزار باد ترا که نجات یافته و نجات داور مرا جسد روح را بچنانی گوید و بگویم زمین که اینجا عباد  
بیکدیگر میوریدند در کار تو همان که از آن عمل او بالذمیرت و رزق او از اینجا فرود می آمد  
نیاچیل رزق بروی گیرند و بدقبض روح آن پانصد فرشته نزد جسد او باشند هرگاه بنی آدم آن  
مروه را از پهلوی به پهلوی کشند آن فرشتگان او را پیشتر از آن از پهلوی به پهلوی گردانند و نفس او را از جسد  
برسانند پیشتر از آنکه آدمیان رسانند و رسانند شوند از دروازه اقامت قبر و صحنه از مصلک استقبال  
کنند بر او باستغفار از زمان ابلیس او از گنبد یقیه که بکافند از آن او از بعضی استخوان  
جسد و بگوید که خود را ملک است شمارا چگونه خلد می شد این بنده از شما پس بگویند که این مرد  
معصوم بود یعنی خدا او را کما بدشته پس و قتی که روح او را بر آسمان برند و استقبال کند او را  
جبرئیل علیه السلام در مقام دراز ملک بر یک لیل او را بشارت دهند از پیرو کار او پس چنین ملک الموت  
او را بولی رساند آن روح بجهه رود بر او در کار او پس بگوید حق تبارک و تعالی ملک الموت را که بر سر نهاده  
پس بداد او را بی سدر مخصوص و طلح مخصوص و ظل مخصوص و ماء مسکوب پس و قتی که نهاده شود آن روزه  
در قبر پس آید نماز باشد بر عیسی او و روزه بر او و قرآن و ذکر نزد سر او و رفتار او بر او نماز شود



بر دیوار و صبر نزد گوشه قبر او و بنویسد الله تعالی کردنی از عذاب میسر بسبب بیعتی مساجدی که از و صادر  
 شد باشد پیش آید او را از جانب حق پس او را نماز گوید و رفع کرده است ترا این بنده قسم بخور که این بنده  
 هیچ کسیده است تمام عمر او صفت یافته است مگر حال که در قبر نبوده شده پس از جانب حق بیدار و زنده میگرد  
 پس از جانب که آید محضی گفته شود پس از هیچ جانب عذاب نبور او را راه نیابد و صبر و دیگر اعمال را بگوید  
 که من بدایت خود مانع شدم از آنجا که شما کفایت کردید اگر شما عجز نمیشدند من بار را میگردم حال  
 من ذخیره او هستم نزد عراط و میزان و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم و یقینست حق تعالی فرشته  
 که بصر آنها مانند برق ریابینده باشد و از ایشان مثل عدد و ذرات ایشان مثل شمع کما و دوم آنها  
 مانند شعله آتش در میان پرده و نه او چندین بعد و مسافه باشد از دل آنها حق تعالی جهت دیده کرده  
 مگر بر مسلمانان نام یکی سکر و نام دیگر تکیه در دست بر یک از آنها کزب باشد از این که اگر حق تعالی  
 جمع شوند آنرا در حرکت نتوانند داد پس بگویند او را پیشین پس بنشینند در قبر حقیقی و فرو افتد کفن  
 او پس بگویند کعبت پروردگار تو و خجست دین تو و کعبت نبی تو گوید پروردگار من است  
 و هدیه الله تبارک و تعالی و دین من اسلام است و نبی من محمد است علیه الصلوٰۃ و السلام خاتم انبیاء  
 پس بگویند است گفت پس قبر او را از هر سو فراخ کنند و بگویند به این بالا خود پس بنشینند  
 بهشت را و گویند این خانه است اری علی خدا بسبب فرمان برداری حق تعالی فرمود رسول خدا  
 علیه و سلم پس قسم بکسی که جان من در دست او است که در دل آن مرده بقیع فرشته را نزد کما



دور شود پس بگوید که به بین زبر خود پس دوزخ را ببند و بگویند ای بی خدایات یا نشی ازین  
فرمود رسول خدا علیه وسلم که قسم بکسی که جان من در دست اوست او را بقیه فرقه تهل رسد که  
کاهر و درین شود و کن ده شود برار او منقاد و هفت در لبور جنت که آمده باشد او را از آنجا خوش  
و راضی تا که بر فیروز او را حق نکازد و بگوید حق تکا ملک الموت را که بر لبور و شمع من پس  
بیار او را پس بدینست که من فراخ کردم رزق او و راضی او بنعمه خود پس نکود بخانا فرمائی من پس  
بیار او را تا انتقام بگیرم از او پس زود ملک الموت در بهترین صوره که ندیده باشد کسی از مردم  
کاهر باشد او را دوازده چشم و با او سنجی باشد از آتش بسیار خار دارد و با او پانصد فرشته باشد با آنها  
دو فرشته باشد و بر کاله آفراتش دوزخ و با آنها تازیانه باشد از آتش افروخته پس برزند  
او را ملک الموت بدان سنج پنجه غائب شود و هزاران سنج خار دارد و در هر مو و هر رگ او  
گشت پستری کند آنرا بختی پس بکند روح او را از ناخنها پاره و پس بنند از آنرا در پانصد سال  
پوشش سپوشش و عدد واحد و بنشیند و شکان در ریاضت و در بایان تازیانه پستری بچین بکند  
روح تابنده از او پستری تا سینه او بختی تا حلق و گسترانند ملک آن دغان سوزان و آتش دوزخ  
زیر آتش او و بگوید ملک الموت بر آتش نفس لعین ملعون لبور سمی یعنی با دزبها نوده و جیم یعنی  
آب کمال سوزان و ظل من محموم لا یارد ولا یریم و سایه از دغان نهایت سیاه نه سرد و نه مفید  
چون قبض کند ملک الموت روح را روح کوید جسد را و جسد کوید روح جزا دهد خدا ترا به بود در قتل



بسوی معصیت و در ننگ نظامت پس ملاک شد بر تو و ملاک دبی مراد لغت کند او را  
 بقعه تازیانه ای بر آن گناه میکرد و گدازد بلیس خوشی خبر دهند ابلیس را و اگر در دم  
 یکی از بنی آدم را در صحن پس چون نهاده شود در قبر شک شود بر در قبر تا که  
 هم دیگر شوند استخوان سینه او و بفرستد حق را تا مار را سیاه را پس بکشد از زیر انگشت  
 پای پس بخورد آنرا تا که رسد در گمراهی و بفرستد حق بسوی وی منفر و نکیر را و بر پسند  
 از پروردگار و دینی و نبی او و گوید او نمی داند پس گفته شود او را انداختی و نه  
 پیر و زکر در پس بر بند او را بقسمیکه بر بند سراره پیرانش در جوار و در دست خود  
 و گویند پیرانی باله نویسنده بنده را و گویند ای شمس خدا اگر فرما بپرداری خدا میداد  
 ای خانه تو میداد فرمود احدی صلی الله علیه و سلم پس گفت که جان من در دست است که رسد  
 او را حشر که دور شود از و کامیون ده شود بر لعل او در دوازه بسوی دوزخ و نه شود و نه شود  
 بسبب فانی خدا و آن ده شود برای او مفاد و مفیت در بسوی دوزخ تا بید او را بومی  
 و باد از راه اوده آن که بر دارد او را صیقل از زینت بسوی دوزخ آنکه در سر نهاده  
 که ملک ملک و نعمت های بیست نموده نموده مومن را در غمت عید بد و مثل طفلان او را خوش  
 میبازد بعضی درستان خدا بان نعمتها سرزد و نمیر آری و دیدار حق میجو اند نفل است از شیخ  
 رحمة الله علیه وقت که چون نعمتها را بیشتر دید بر آشفان گفت ان کان منزلی فی الحب



مقدم مآثر این فقد ضیعت ایامی یعنی اگر هست مرتبه من در محبت نزد شما آنچه من دیدم پس بدست  
من عمر خود را ضایع کردم حق سبحانه و تعالی داد و فدا نمود پس چه می خواهر گفت <sup>نظر</sup> اروم و قد طال المدي  
و کم من دماء دون مرأی طالت یعنی من چه می خواهم و بدرستی که در آرزو شده است مدت خواهش از تو  
دیداری و بسیار خونها نزد این آرزو ریخته شده اند از زمان حق پرورد تجلی فرمود و من بزرگ جان  
حق تسلیم نمود همچنین شرف الدین ابوعلی قلندر ربانی پتی رحمه الله علیه گفته که باید ملک الموت <sup>چشم</sup>  
تا بنیم رخسار روح رسیدن ندهم لیکن از کلام حضرت این نافی قوم ربانی مجد و الف ثانی رضی الله عنه  
چنان استفاد می شود که همچنین خواهش و کلمات گفت و نهای بهشت را خاطر نیاوردن از تقایای  
سکر است اصحاب صحو آنچه نعمت های بهشت است و غیره نماید که دلیل رضیات حق است از ابر چشم  
از کمال ادب می زنند و مبدانند که دین خدا درین زیاده متصور نیست موعود بر جنت است  
انجا جسد و بصیر را حق تعالی قوی دیگر خواهد داد که طاقت برداشت رویت خواهد داشت  
موسی علیه السلام پیغمبر ادلی العزم طاقت رویه ندانست و مخاطب ملکی ترانی شد و حر  
موسی صغیرا اینجا اگر هست رویه قلبی است نه رویه لهری و رویه قلبی بیا لم مثال  
تعلق دارد چنانچه حضرت قلندر میفرماید غیرت از حکیم برآم روی تو دیدن ندهم  
گوشت را نیز حدیث تو شنیدن ندهم یعنی اینجا آنچه هست نجسیم دل و گوشت ملکی است  
نه نجسیم و گوشت سر و اله اعلم آنچه دیگران را کمال سیرق است این حضرات زاد ای است دیگر



باید دانست که در قرآن و حدیث احوال مومنان کامل و احوال کافران و منافقان مذکور  
و احوال مومنان فاسق متوسطان کم تر مذکور است بمقایسه دریافت می شود و وجهی که  
در وقت رسول صلی الله علیه و سلم صحابه همه مومنان کامل بودند یا کفار یا منافق بودند  
آنکه احوال متوسطان بسیار مختلف است نظیر کثرت جرایم و قلته آن و قوت ایمان و ضعف آن  
و دیگر باید دانست **در حق شهید طبرانی و عبد بن حمید** سنتها روایت کرده از عده  
بی شماری گفته و فتنه نبوده در راه حق شهادت کرده شود اول قطره خون او که بر زمین افتد  
کنایه از غلبه کوفه پس بارجه از بهشت آید و نفس او در آنده شود و او را بهشت  
از بهشت آید و آن مرکب کرده شود روح او با ملائکه سوار آسمان رود با ملائکه باشد  
گویند که از اول خلقت با فرشتگان بود تا که او را حضور رحمان حاضر سازند پس سجده کنند  
پیش از ملک و ملک بید از آن سجده روند پس حکم شود که باشد اگرده شود پس آنها باشند  
در چمن های سبز و قبیله حریر نازنین کاوشند و ماهر شد ماهر بخورد و از بیرون  
خوشبو از آنها بهشت و چون تمام شود گاو آن ماهی را شکم بدرد و صبح خود دریا کنند  
انرا پس بخورند شهیدان ماهی و یابند در گوشت او برور خوشن از آنها بهشت  
و شبانگاه کاوش بریده باشد در بهشت از مویار پس چون صبح شود ماهی بروی آید و صبح کند و او را  
بدم خود پس بخورند شهیدان گوشت او و یابند از گوشت و بپزند شهیدان خانه مار خود



دو بهشت در خوارست گفتند از حق تعالی بقیام قیامت در یک مقعد قبض روح و احوال قبر مومن و کافر مثل  
حدیث گذشته در بنی حدیث هم آمده و از کتب چهار در تفسیر تورات که آن کتاب الله برار نفی علی بن مبارک  
روایت کرده که روح مومن چون جبرئیل میرسد بر آورده میشود برار او از زیر عرش بقایم پس هر کرده شود و نشویند  
و نهاده شود زیر عرش برار خدای او و از حساب قیامت علیهین عبارت از زیر عرش است و در قوله که آن کتاب الفجار  
نفی سجین گفته که روح کافر چون بموت رسان برده شود در آسمان آن قبول نمکند انداخته شود و بسوزد پس بنی  
او را هم قبول نمکند پس انداخته شود زیر بیفت زمین رسانیده شود تا سجین پس بر آورده شود برار او از بخار قیامت  
پس هر کرده شود برانی و نهاده شود زیر عرش ابلیس که خدا جبار ابلیس است صاحب قلموس گفته سجین داد است در  
جهنم با سنگی است زیر زمین بیستم و آن ابلیس شبیه از این پیر رفته کرده که قبض روح مسلمان کرده نمکند تا که فی سبیل  
یعنی بهشت و بعد موت آن مرده او از گفته بقیع که در خانه از صغیر و کبر جاندار هر که باشد و از او بشنوند که در آن کوبه  
جله رسانید و ابراهیم را چون بر جنازه نهادم شود بگوید چه قدر دیر میرود پس چن در طه داخل کرد و مشغول  
نمیده شود و هر طه در بهشت بیند بگوید ایر پروردگار داخل کنی را در آن حکم شود هنوز وقت آن نرسیده  
نرسیده است ترا دیگر برادران و خواهران اند هنوز نیامده اند یکی خواب کن خوش و وضوء گفت ابو هریره پس تمام  
که بخوابد آنکس خوابی کوتاه تر و شیرین که یکس از قسم تخفیه باشد تا که پروردار در سر خود را بسوزد و در قیامت  
حضرت قلندری که در کتب دین و وصل تو از عایشه ثورق تا قیامت نمود حج دین ندیم و این مرد و این منده  
از این کتابی روایت کرده در حدیث توحید در حال مومن که در بار آسمان برار کرد و خود در حوض بفرستد و



در هر آسمان تا که رسد یک چهارم بگوید چهار تا چهارم بگوید و چون بر آید که در  
در بهشت داخل کرده خانه او بنمایند پسر او را بسوی زمین بفرستند و فرمودند از زمانی که مردم در  
غسل و کشتن او فارغ شوند و داخل گشته آن روح را در جسد و کفن او و طبری از میوه بهشت سعد روایت کرده که گفته اند  
یا رسول الله محنت خواب که بود در دست خیدام که خواب کند فرمود دست خیدام که خواب کند تا که فرمود که  
که ببرد و جبرئیل بر وی حاضر شود این ابی سببه و ابن ابی الدنیا و غیره از بزرگواران صحابی روایت کرده که  
نمیرد کسی مگر آنکه نموده میبوند او را صورتی شبیه بنیان اگر از اهل بهشت صورت اهل بهشت و اگر اهل  
نار بهشت صورت اهل نار و این ماجه از ابی موسی روایت کرده که پرسیدم از حضرت که شناس بنده ز مردم کی  
میفرمود و گفت که نیست یعنی ملک الموت و ملکه را در صحیح بن از عباد بن رافع رقی الله عنهم فرمود  
که نبی صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که ملقات خدا دوست دارد خدا ملقات او دوست دارد و هر که ملقات خدا  
مکرده دارد خدا ملاقات او مکرده دارد و عائشه گفت ما در آن مکرده میداریم و فرمود مرا و من این نیست لیکن  
مسلمانان را وقت حضورت خوشی خبری دادم و برضای خدا و اگر امید داشتن او پس بشارت او را چنان  
محبوب تر از آنچه پیش آید او را یعنی موت و خدا دوست دارد ملاقات او را و چنین کافر را من پیش از خبر  
دادم که بعد از این چه چیز او را مکرده باشد از ملاقات خدا پس مکرده دادم حق تعالی ملاقات او را و این  
و ابن المنذر از ابی حمزه روایت کرد که رسول الله صلی الله علیه و سلم از عائشه و فقیه بنده مسلمان ملکه را گویند  
او را ملکه را باز کردیم بسور و بنا کردیم که مرا بخانه غم و خزن فرستند مرا بسور خدا برید و کافر بگوید این برود و کار



۱۱  
و باز بسوزد و نایزیت کاسکی حمل صالح کنم در آنچه ترک کردم و ابو نعیم از سلمان فارسی نذر آن حضرت روایت  
کرده که اول مسلمان را در قبر او خوشی خبر داده شود بر همانند یعد ابو نعیم گفتند که خوش آمدی حق تعالی  
بخشیده گشتی را که همراه جنازه تو تا قبر تو میبرد و ابو نعیم از جابر روایت کرده که مسلمان را خوشی خبر  
داده شود به صالح بودن فرزند او بعد از او بر سر چشم او و احمد و ترند و ابن ماجر از ابی عمر از آن حضرت  
روایت کرده که فرمود که حق تعالی قبول میکند توبه بنده تا که جان او قریب برسد روح میت مؤمن  
بناوید از روح مؤمنان ملاقات میکنند چنانچه طبرانی در او وسط از ابی ایوب انصاری ریفی از حدیث روایت  
کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که روح مسلمان و قنبله قنبله کرده میشود ملاقات میکند باری اهل رحمت از  
بندگان خدا چنانچه در دنیا از کسی که می آید ملاقات میکنند و با هم میگویند که فرصت دهند باز خود را تا که آرام  
گیریم بدستیم که او در کمال خوشی و شادمانی است از او پرسند که چه میکنند فلان و فلان پس و قنبله بگوید که ادبش  
از من موده است پس آنها را خوشی کنند و نامه و نامه را از جنون گویند و گویند او را برده شد بسوزد و هادی  
یعنی در خوشی و فرود صلی الله علیه و سلم که اعمال ناکفته میشود و اقربا و قریبه شمارا که بیشتر موده اند یعنی آنکه از  
اهل خیر اند پس اگر عمل نیک می باشد خوشی میشوند و میگویند که ای ای این فضل است پس تمام کن نعمته خود را بر دست  
و موت ده او را به اینچنین اعمال و اگر عمل بد می باشد میگویند که ای ای او را تو بنویس عمل نیک ده تا تو از وی را فی الحقیقه  
بدان و قریب کند او را بسوزد و در ملاقات کردن مردگان که بیشتر موده اند و خوشی شدن آنها ملاقات موده  
حال و استقبال کردن پس که بیشتر موده باشد پدر را چنانچه غائب را استقبال میکنند خدا را حدیث دیگر هم آمده



الحمد و طبرانی از ابی سعید خدری روایت کرده که نبی صلی الله علیه و آله فرموده که میت بی شناسد کسی را که او را  
غسل میدهد و بی برادر و کنی میدهد و در قبر خودی آورد و او این ای ای دنیا از یکدیگر عبد الله بنی آورد که مراد از  
یعنی از آنحضرت صلی الله علیه و آله است که این نزد میت میت و میت آنرا میداند اگر قدره بر کلام عبد الله است منع میکرد  
از نوم و مانند آن و ابوالشج از آنحضرت روایت کرده که نبی در مسجد جارد ب میکرد و مرد و آنحضرت صلی الله  
علیه و آله را علم نشد پس گذشت آنحضرت بر قبر وی و بر قبرش نماز جنازه خواند پسر صاحب قبر  
گروه فرمود که که ام مثل پسر باقی مردم گفتند یا رسول الله این میشود فرمود نمیشد شما از وی پس فرمود  
که این زن جواب دهنه که جارد ب کس مسجد بهتر یافتیم و در صحیحین است از ابی سعید خدری که آنحضرت  
صلی الله علیه و آله فرمود که چنان جنازه میت را بی برادر اگر صالح میباشد بگوید پیش برید مراد اگر غیر صالح میباشد  
میکوید بجای برید مراد بیان بر چند او از او می شنود و این ای ای دنیا از عمر بن الخطاب از آنحضرت  
صلی الله علیه و آله روایت کرده که میت بر جنازه بگوید این برادران برادرند نفسی فریب ندهم شما  
حیوة دنیا و باز نکند با شما زمانه خایه باین کرده آنچه گذارستیم بر برادران است و جزا دهند روز قیامت  
باین خصوصه و بی شبه خواهد کرد و شما بمراد من می آیند و گذارستند خواهند رفت این عا که از ابی سعید  
از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده که داؤد علیه السلام گفته ای هر چه هست جز آنکه سیر و جنازه کند  
تا کور برار طلب رضا تو فرمودی تا جزا او آلت که فرستگان من مشایخه او خواهند کرد روز موت او  
و رحمة خواهیم کرد بر روح او در ارواح و این ای حاتم از عا این ابی طالب روایت کرده که چون مسکن



می میرد نمازگاه او از زمین و جانی بالد رفتن عمل او از آسمان بر روی میکشد و از این عباس روایت که زمین تا  
 چهل روز برونی میکشد و شواهد این از سلف بسیار روایت **طبرانی** از ابن عمر روایت کرده که حبیب در مدینه  
 مرد و دفن کرد گفت آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود دفن کرده شد در طیبه که از انجا پیدایند الله بود و اینچنین از  
 ابی سعید و ابی الدرداء روایت و ابونعیم از ابی سیریه آورده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که نیت  
 پیچ موی که در کف رفته باشد در جانی خاک قبر او ریخته بر نطفه و حکیم در نواد و الاصل از ابن مسعود روایت  
 کرده که فرشته که موی کل است بر رعم میکشد نطفه از رعم می نهد بر کف خود و میکشاید بر و در کار مخلقه باشد  
 یعنی آدم از و پیدایند تا غیر مخلقه اگر مخلقه باشد که پدید آید بر و در کار چسبیت رزق او چسبیت جازا اقام او  
 چسبیت اجل او چسبیت عمل او حکم شود به بین در لوح محفوظ از انجا دریافت کند و بگوید خاک از زمین  
 که در آن دفن کرده شود و غیر کند بدان آن نطفه را اینست قوله کل منیا خلقناکم الله  
 و ابونعیم از ابی سیریه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که فرمود دفن کنید مرده  
 را در میان قوم صالحان بدست میت ایند امیکشد از هم سایه بد چنانچہ زنند ایند امیکشد و این  
 عا کر از علی و ابن مسعود و یحیی روایت کرده و ابن عساکر از ابن عباس از آنحضرت صلی الله علیه و سلم  
 روایت کرده که نه وقتیکه میرد یکی از شما نیک کنید نفس او و جلد رکنید در انجا و صبه او و عین رکنید  
 قبر او و در در خواهند از هم سایه بد گفته نند یا رسول الله صبه صالح نفع میکند و موی او و بوی  
 از ام سلمه یحیی روایت کرده این ابی الدنیا از عبد الله بن نافع مزنی روایت کرده در مدینه

در طیبه

و در رتبه از خاک که در غیر او نیست



رود و دفن کردند ای پسر کی اور ادید که از اهل دوزخ است و غم خورد بروی محمد بن سنان و گفت روز  
دید که او از اهل بهشت است از و پرسید گفت که دفن کردند با من و در صراط بس شفاعت کرد در جهنم  
کس از همسایه خود منم در آن بودم این منده از ابن عمر روایت کرده اند بنی علی بن عبد الله علیه السلام که چون  
مسلمان می میرد بر بقعه زمین نخل میکند و آرزو میکند که در بجا دفن شود و چون کافر می میرد مقابر ظلمت  
میسود و بر بقعه پناه میجوید از خدا که در بجا دفن شود

طبرانی در معجمی از ابن عمر روایت کرده که روحانی فرمود صلی الله علیه و آله که فرموده جلد بوسه قبر او بپاشند  
و وقت دفن در قبر او زرد را از فاقه و زرد پار را خاتم سوره بفرخوانند و در روایت آمده که نزد  
سر لایات اول و آخر سوره بفرخوانند و در روایت آمده که بگوید اللهم اجبه من الشیطان  
و من عذاب القبر و برار از عارضه الله علیه روایت کرده که بگوید بسم الله و فی سبیل الله و علی صله  
رسول الله اللهم عبدک نزل بک و انت خیر منزل به خلف الدنیا خلف ظله فاجعل ما قبله  
خیرا مما خلف فانک قلت و ما عند الله خیر للبرار و ابن ابی نعیم از انس روایت کرده اللهم  
جاف الارض عن جنبیه و ارفع باب السماء و ارحم و ابد الله و ارحم خیرا من دارد و از مجاهد آورد  
اللهم ارفع فی قبره و نور له فی و ارفع بنسبه صلی الله علیه و آله حاصل از حدیث دیگر این را از شیخ  
و عذاب قبر در پناه دارد و قبر او را فراخ و منور کن و در میان برار روح او بک و نعمانه از خود  
بهتر از خانه دنیا کن و او را با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در حق کن بخش کن دعا و دفن میت کند و از عذاب

ابواب



حق طلب مغفوة او غایب و طبرانی از ابی امام از آن حضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که چون خاک بر قبر انبیا  
 شود باید که ششی بر قبر ریخته و بگوید ای فلان بن فلان اگر نام مادرش نداند بگوید این <sup>آن</sup> جوان بوده <sup>باشد</sup> و جواب  
 و جواب نخواهد داد باز بگوید ای فلان بن فلان پس خوابید شست باز بگوید ای فلان بن فلان انگاه بدن  
 خواب گرفت از شاد کن رحمت از خدا کند ترا خدا پس بگوید یاد کن آنچه در دنیا بران بود در شهادت  
 ان الله و ان محمدا عبده و رسوله و انک رضیت بالله رباً و بالاسلام دیناً و بحمد نبینا و بالقرآن  
 الامانی پس شکر و تکبیر و تکیه و دیگر گرفته بگویند که برویم چه کنیم نزد کسی که او را چه آوایان کرده باشد  
 صوفی قبر یعنی شکر گرفتن او حق است اکثر عالمان را هم میسوزد که اینک <sup>بسیار</sup> باشد  
 که سعد بن معاذ رضی الله عنه که از کبار صحابه و تابعین از این روایت و خوش از دهان او در آمده  
 و بنهادن از فرشته جنازه او را میایند که در نه او را هم سبب صفت شده و در روایتی آمده که  
 زینب و رقیه دختران رسول کریم را هم شوه و بسبب صفت بعضی از حق باشد که کفایت آن بصفت <sup>بسیار</sup> شود  
 امیر بن عبد الله روایت کرده که از آن حضرت صلی الله علیه و سلم بسبب صفت سعد بن معاذ رضی الله عنه خبر  
 فرمود که در تطهیر این چیز تفصیل میکرد و میفرمود و غیره از عایشه روایت کردند که گفت یا رسول الله از  
 او فرمود که عیبت او از شکر و تکبیر و صفت قبر فرموده را آرام نیت فرمود و این شسته او از شکر و تکبیر و در کوش  
 مسلمانان چنان باشد که از عدد چشم و صفت قبر بر همان چنان باشد که چنانچه در این مادر شفقت نکند  
 صدراع میگردد او را در دست بگیرد و بنزد می افکند و بعضی علما گفته که عقوبت کناه مسلمان بده چنان



دو در می شود یکی آنکه توبه کند و دیم آنکه طلب مغفرت نماید میوم آنکه از عمل صالح بگذرد او در می شود چهارم آنکه در راه  
در دنیا معیشت را بر پنج آنکه در قبر حفظ شود ششم آنکه دیگر مسلمانان بر او دعا مغفرت کنند هفتم آنکه مسلمانان  
توبه اعمال خاصه بخشد هشتم آنکه در روز قیامت سینه کشد نهم آنکه شفاعت بنده علی اله علیه السلام و سنگبر فرشته  
دهم آنکه رفته ارم از رحمت شایان او باشد و یونیم در حلیه از عبدالله بن مسخیر روایت کرده که رسول  
فرمود صلی الله علیه و آله هر که در روضه موت علی بن ابی طالب خواند از فتنه قبر و ضلوع قبر محفوظ باشد و مسلک  
او را در روز قیامت بدستیار فرمود و برداشته از صراط کزانیده بخت رسانند

این ابی الدنیا من غلطان میس و غیره روایت کردند که چون مرده را در قبر نهاد  
شود اعمال او حاضر شوند بصورته آن بی و بگوید من عمل تو را می گذارم ای پادشاه و اولاد و فسیله خود را  
و اینم خدا اثر از حلقه پس پشت خود کی با تو در قبر تو سوار می شود داخل شد پس بگوید کاس تو را  
رغبنا سیکردم بر اهل دودله و عشیره خود و هر چه خدا مرا عطا کرده بود چون کی با منم خایه و کوفت  
و تو مندر حدیث حسن از ابی حمید روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله  
بیشتر کنند ذکر شکسته اند تا آنکه موت رسیده است چه روزی از آن بگوید که منم خانه  
و غربت ام و خانه خاک و کرم و فتنه دنی که مرده میگوید منم قبر او را در صراط کزانیده بدستیار  
دوست ترین مردم بود که بر منم میرفت پس چون دای کرده اند منم از روز بر تو میرفت این روایت  
مسلم که میگفت پس فراخ تو در قبر تا منم نگاه کن ده دور در سوخت و چون فاجو یا کافور دنی

کامل

کرده شود کوی قبر لاریها و لا اله الا الله بر این بنویسند و بر روی قبرش بر منی چنان کرده شد  
 من در روز قیامت پس بیتی از خیم من بنویسند پس بر چهره بروی ناکه جای یکدیگر بنویسند و بخوانند پس او فرمود  
 رسول صلی الله علیه و سلم پس مسطر کرده شود بر روی بنفاد و بار اگر یکی از آنها دم زند در زمین نروید و باند زمین حیرت  
 ناکه باقی ماند در دنیا پس بکنند و بنشینند از آن مانا ناکه حکم شود بر حساب فرمود صلی الله علیه و سلم و فرمود  
 از چمنها برینست یا غار است از غار مار و درخت و درین باب احادیث بسیارند **باب** در فتنه قبر  
 بعضی سوال نمیکند و بیکر احادیث بسیار دارد شده بتواتر رسیده چنانچه حدیث بر این است یا غار است و بنیم دار است  
 بالکذا شسته و بیکر احادیث بعضی معتقد و بعضی مطلق روایت و این ماجم و غیره از جابر بن عبد الله  
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم و فتنه کرده را داخل قبر کرده میشود او را افتاب و فتنه  
 غروب و فتنه میشود پس می نشینند چشمها مالیده میشود که بگذرانند مرا که باز گذارم و حکیم ترندی از  
 سعید بن مسیب روایت کرده که چون سوال کرده میشود میت که من ربک سلطان حاضر میشود پس  
 اشاره بپوشه میکند که منم پروردگار تو حکیم ترند گفته که قعله صلی الله علیه و سلم اللهم ارحم من الشیطان  
 تا بعد از این قول میکنند و در کیفیت سوال اختلاف روایات است تا بد که بعضی مردم را از بعضی اعتقاد  
 سوال کرده میشود و بعضی از مجموع آن یا راورد در روایت بر بعضی اقتضا کرده و بعضی روایات است  
 که در یک مجلس سه بار سوال کرده خواهد شد و از طالع کسی مرویست که تا بهفت روز سوال کرده  
 نماید هر که دفن نکرد کند بردار کشیده شد یا غرق شد یا سوخته شد یا درنده او را خورد او هم



از غفله و حال و عذاب یا ثواب بی نصیب نیست خبر عبارت از عالم برنج است

و بن عبد البر گفته که سوال بخوابند مگر مومن را با منافق را که مشرب است بدین اسلام بخلاف کافر  
مجاور و فرطی و این قیم میگویند که کافر را هم باشد و بی طاعت گفته که قول اول صواب است **و این**

تیمیم گفته که احادیث متواتره دلالت دارند بر آنکه روح پس از بدن عود کرده و بعد از وقت سوال و  
بران دلالت دارند که روح را در آنوقت باید نوعی عطف باشد اگر چه بدن متفرق شده یا سوخته

شده و یک طائفه گفته که بدن را بدین روح سوال کرده شود و جمیع اعضا را این قول میکنند و این کلام  
و عده میگویند که سوال از روح باشد بغیر بدن **فایده** بعضی محدثان گفته اند که ملکه سوال جامع گیراند

بعضی میگویند دارند و بعضی نگیرند پس برده و کس از آن بیرون نماند از تحقیق بلخره ولایت  
پنج چیز طلب کنیم در پنج چیز یافتیم ترک گناهان در نماز صحیح و روزه قیام در نماز نهج و جواب سئو

کثیر در فراق قرآن و عبودیت در صراط در صوم و نسیان عیش و خلوت **و این** و اصحابی از ائمه

صالحه علیهم السلام روایت کرده که هر که در حالت سکیم و داخل قبر شود در روایت از ولایت که ملک الموت  
درنگر و نگیرد و در حالت سکیم نماند **و این** و از علماء حنفیه گفته که جایگاه میت قرار میگیرد و اینجا سوال **و این**

اگر درنده خورد و شکم او سوال شود و اگر تابوت نهان نقل کرده شود سوال نکرده شود مگر بتوفیق **و این**

**و این** پرسید با رسول الله حدیث که شنید را در قبر گفته نمیشود یعنی سوال نمیکنند  
و حضرت صلی الله علیه و آله فرمود که کافریست برقی شمیر بر سرش گفته طبرانی از ابی ایوب از حضرت

قبر نور

صلى الله عليه وسلم روايه کرده هر که در جنگ کفار نهانست قدم با نهانگه غالب شود يا کشته شود ادا را  
در قبر فتنه نباشد و در چند حديث صحيح آمده که رسول صلى الله عليه وسلم فرموده رابط في سبيل الدين  
کسي که بر دهر آمدن کفار را بر حفظ بلاد اسلام بنشيند و انجا ببرد عمل او هميشه جاري ماند و ملک او  
رابط براي او هميشه نوشته باشد و از فتنه قبر محفوظ باشد و در بعضي زباده روايت آمده که هر چه فتنه  
شديد بر خيزد و اين جوهر در تفسير از ابن مسعود روايت گفته که هر که بر ثقب سوره ملک خواند از فتنه قبر  
محفوظ باشد و بخشي از کتب اخبار از ثورث روايت کرده در حديث بر ابن عازب از زلفه  
صلى الله عليه وسلم آورده که هر که الم سجده و سوره ملک بخواند از عذاب قبر و فتنه قبر محفوظ باشد و اهل  
دین در رويت ها از ابن عمر و روايت کرده که رسول صلى الله عليه وسلم فرمود که مسلمانان که ثقب سجده  
روز جمع ميرد از فتنه قبر محفوظ باشد و طبع گفته که چنين شهيد سوال نکرده خود پس صديق که از  
درد رجايت بطريق اولي سوال نکرده شود حکيم بن زيد هم سوال از صديقان تصريح کرده  
و احاديث و رابط مقتضی هستند که حکم عدم سوال در بر شهيد است مخصوص غيبت بمقتول  
در موقوفه اقول کسي که بعد نماز بر از انتظار نماز دوم و مسجد نشسته باشد رسول اکرم صلى الله عليه وسلم  
در حضور او نيز موقوفه کند رابط پس روي هم سوال نکرده خود ما بونيم از جابر روايت کرد که  
پس خود رسول صلى الله عليه وسلم هر که روز جمعه يا شب جمعه ميرد از عذاب قبر محفوظ باشد و در قيامت  
آيد و بر او صلوات شهدا باشد و در روايت آمده که از عذاب قبر و فتنه قبر محفوظ باشد و



ملاقات کند با خدا و برود حساب نباشد و روز قیامت آید و باورش شود بکند که شهادت  
دهد **باب در فضیلت قبر و سهولت** حکم و غیره از عثمانی روایت کرده که بر قبر استاد و بکریت  
تا که ریش او **ترشد** و گفت که فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که قبر اهل منزل از منازل  
و فرقه رست بر که از آن نجات یافت بعد از آن نرسد از فرقه رست بر که در آن نجات نیافت  
بعد از در سخت ترست از وی و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که ندیده شده هیچ جای خوشتر  
مگر آنکه قبر از درختید ترست و این ماجر از برادر بن عازب روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم  
بر کپانه قبر نشست و بکریت تا که زمین تر شد و فرمود که این برادران من بارشیل این جا بماند  
کنید و این منده از این مسعود روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که مسافران  
قبر فراخ کرده اند آنقدر که از اهل خود دورست و بعد از آن که این ماجرا از این عمر  
روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که میرد در غیر محل خود قیاس کرده  
از مولد او ما جار قدم او جاری و در بهشت باشد و این منده از برادر بن عازب روایت کرده  
از آنسرور صلی الله علیه و سلم که فرمود مسلمان در قبر خود در چمن سبز باشد غراخ کرده خود را  
بمنفا و ذراع و روشن کرده باشد مانند ماه شب چهاردهم و این ابی الدنیل <sup>مفسر</sup> و حضرت  
گفته که عیسی علیه السلام با حواریین بر قبر ریخته ذکر کرده و چشم قبر و شکلی متجلی  
آنها گفت عیسی علیه السلام بودید شما در سنگ ترا ازانی در شکمها ما در آن غول پس و قهقهه

خوات خدا فراموش کردن فراموش کرد و دیلم از ابن عباس و از انس روایت کرده که رسول فرمود  
 علیه السلام رحم تری بر من حق است که به بنده خود وقتی باشد که بنده در اهل قبر شود و مردم و اهل او از او  
 منفرق شوند اقول الحمد لله که در دنیا حق است که تری در رحم باشد. **جای مختصر خودم که**  
 در روی **یعنی جای من و جای تو باشد فصل** دیلم از عیسی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم  
 روایت کرده اهل عدل آخره قبور است فرق میکنند در شریف و در ذیل **باب بعد از دنیا**  
**بخش** ابن ابی الدنیا از جابر بن عبد الله از نبی صلی الله علیه و سلم روایت کرده که تحفه مسلمان  
 آنست که بخشیده شود کسی که بر آید در جنازه او و بچندی روایت کرد ابن ابی الدنیا و برار  
 و بیس از ابن عباس از آنحضرت صلی الله علیه و سلم و در بنیاده ابو ریح از سلمان فارسی و  
 حاکم و بیس و دیلم از ابی هریره و حکیم تمیز روایت انس روایت کرد **باب بیست و نهم**  
**قبر** مسلم از ابی هریره روایت کرد که این قبور پر هستند از تاریکی و حق است که اگر  
 رخن میکند بعلوه من بروز مختل که در آن باشد که هر که بر من درو فرستد من بر او درو  
 فرستم تمیز و روشن شود و دیلم از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم خندق  
 در مسجده تاریکی باشد در قبر و ابن ابی الدنیا از سری بن مخلد روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم  
 فرمود اگر مردی که از راه سفر کینه ایستد میان سفر میاید از زمین چگونه باشد سفر او  
 قیامت آید اگر اهل آنزم تواند بدایه نفع کند ترا آنروز گفت آری بفرما فدایت پدر و مادر



فرمود در سخت گماردن داشتن برادر روز قیامت مفیدست و در بارگشتی شب دو رکعت  
گذارد بر او چشمه قبر و ابو نعیم از عیسی بن ابی طالب رقیه الدین روایت کرده که آنحضرت  
صلی الله علیه و سلم فرمود هر که صد بار بر روزه بگوید لا اله الا الله الملك الحق المبين همان له امان الله  
یعنی باند اعدا امن از فقر و آتش و در قبر و کافران و دشمنان او در بار بهشت و ذیابیه از  
ابن عباس روایه کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرموده منبکة عالم عید و حق تکلم علم او را حقیر  
دید که در قبر منسی او باشد تا روز قیامت و دفع کند از وی هوام الارض را و اینها را  
عبید الله از کتب اصحاب روایت کرده که حق تکلمی کرد بسورت صلی الله علیه و سلم که عام دین  
بگیر و مردم را بیا موز که می منور کنم علم رفته و علم گیرنده را قبولشان تا که حجت نباید  
از جابر خنی و ابوالشیخ و ابن ابی الدنیا از جعفر صادق از پدر از جواد روایت کرده  
که رسول صلی الله علیه و سلم که داخل یک دروازه از مسلمانان غریبی که برادرش را میکشید حق تکلم  
از آن خود فرستاده که عباد خدا و توحید کنند و در و چون آن بنده در قبر خود آید آن مردی  
بگوید که مرا در شناسایی پس گوید که تو کیستی گوید من آن کردم که داخل که در توحید بر قلند  
کسی از روز من تر از انسی میدهم از وحشت تو و مرا موزم ترا حجت تو ثابت کنم ترا بر حقانیت  
یعنی بر جواب منکر نکبر و حاضر شوم جامای حضور روز قیامت و نفاعت کنم بر تو و غایت  
حاجت تو از بهشت و این منده از ابی کاهل روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم

ای ای کانی که بدست که باز دارد و این از مردم باشد حق بر خدا که باز دارد از وی این را قهر  
 و این افضل طوسی از عمر رضی الله عنه از آن حضرت روایت کرده که هر که روشنی کند در مساجد خداوند  
 کند خدا در قبر او هر که خوشبو کند در مسجد داخل کند حق تعالی در قبر او خوشبو خوشی است **در**  
**در قبر حکیم** نرند از خدیفه روایت کرده که گفت که در قبر حساب خواهد شد و هم در آخره حساب  
 خواهد شد هر که در قبر حساب کرده باشد نجات یافت و هر که از قیامت حساب کرده باشد عذاب گرفته و الله  
 از عایشه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم حساب نکرده خواهد بود روز قیامت کیس پس خشنود  
 شود او را بیند مسلمان عمل خود در قبر و این عساکر در تاریخ روایت کرده که گفت قسم بک که جان  
 در اوست غیر و در مدینه و در مدینه او مقدار حبه باشد از دوستی که یکدشمنان را قتل کرده  
 مگر آنکه او تابع شود و حال را و نیکو در باب او را و اگر او را در دنیا بد ایمان آورد بد و در قبر عذاب  
 در عذاب قبر عذاب قبر حق است رواه البخاری عن عایشه عیسی علیه السلام در باب  
 آقا خدیجه بسیار وارد شده رسول صلی الله علیه و سلم گفته اللهم انی اعوذ بک من عذاب القبر  
 رواه البخاری در عیسی ابهر بره و فرموده مردگان چون در قبر عذاب کرده میشوند بپایم از آن میشوند  
 از آن میشوند از آن میشوند از آن میشوند از آن میشوند از آن میشوند از آن میشوند از آن میشوند  
 بزم کافرند و نه از دلا که بگزیند او را تا روز قیامت و در حدیثی احمد از عایشه روایت که  
 که عشتاق شود بر کافر و مار یکی از جانب سر و دوم از جانب پای بگزیند او را تا روز قیامت





از واثقه بن ابراهیم روایت کرد که فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که اگر قدری یابو جیه مرده باشد  
پس اگر بعد سه روز قبر او را که او دیده شود دیده شود و در او سر برشته از جانب قبله و این  
ابی الدنیا از ابی اسحق فریاد روایت کرد که مردی پیش پادشاه و گفت که من کفنی دزد میکردم  
و میدیدم بعضی مردم را بر کشته دور آنها از قبله ابو ریحان این قصه به او را خبر فرستاد و از او  
گفت آن کسان که مردند بر خلف طریقه اهل سنت و جماعت و عمر بن مومن از عمر بن عبد الرحمن  
روایت کرد که یکم که بودم من در یک نیکه و دیدم بنی عبد الملک را دفن کردند پس دیدم که  
بر دو زانوی او را کردند او بسته شد پس عمر بن عبد العزیز پیدا کردند و بینه ثوبه کرد  
از آنکه مردان در حق امیر المؤمنین علی میگفتند و این ابی الدنیا از مفضل بن نوایس روایت  
کرده که عمر بن عبد العزیز مسلم بن عبد الملک را پرسید که بدتر را و برادر تو و ولید را که دفن  
کرده بود گفت فلان کس معشوق من گفت که مرا حدیث کرد فلان کس که چون خبر آنها را  
دیده بودم و بر قیام پاکیزه از کفن بکسی می دیدم و در آنها بر کشته بود **باب انقطاع**  
**عذاب** غراب قبر از کفار منقطع نمیشود بعضی گفته اند که روز حجه و ماه رمضان منقطع میشود  
این جمیع روایات و احادیث این قیام گفته که غراب کفار و بعضی مسلمانان عاصی در قبر  
منقطع نشود و بعضی گفته اند که غراب کفار و بعضی مسلمانان عاصی در قبر  
و انقطاع دیگر مسلمانان منقطع شود و یا فرمود که روز حجه و ثوب منقطع باشد نفسی گفته



باز خود نکند بخت عذاب تا یک جمعه شود اگر شود یکین حدیث بران دلالت دارد که زیاده از یک هفته هم  
عذاب باشد چنانچه در حدیث نباون حضرت شایخ بسبر بر دو قبر که شسته آنها از مدتی زیاده از یک هفته مدفن  
بودند ابو یعلی از انس و یحیی از عکرمه بن خالد روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله هر که بر روز جمعه  
از عذاب قبر محفوظ باشد **باب بیستم در قبر معذبان** ترند و این ماجه و یحیی از سلیمان بن صهر و خالد  
بن عوف روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله هر که از یکم مرد عذاب قبر نکرده شود یعنی از جویان  
از این مسجد و این عباکی و غیره چند طرق روایت که خواندن سوره ملک بر شش عذاب قبر حایه میرد  
صحابه در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله سوره الملك را مانع از عذاب قبر میکنند و دارم از خالد بن  
روایت کرده که اتم تنزیل السجده از طرف صاحب جمعه و قبر مجادله خواهد کرد خواهد گفت الهی اگر من از کتابت  
توام شفاعت من قبر کسی و اگر نه عذاب از کتاب خود و در کن مانند پرنده مرده را از بر بازوهای خود گیرد  
و شفاعت کند و از عذاب قبر محفوظ دارد و یحیی از شاکر الملك دارم و ترند از جابر روایت کرده  
که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که سوره الم تنزیل سوره ملک نمی خواند اصحابی در ترغیب از این شایسته  
روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله هر که شب جمعه بعد مغرب دو رکعت نماز کند در هر رکعت فاتحه بکشد  
و از از زلزله الارض بازو بار خواند سکرات موت بر او آسان شود و از غلبه ترند و یحیی از  
و کذا بر صراط روز قیامت آسان شود و رسول فرمود صلی الله علیه و آله هر که ایته الکریه بعد از نماز خواند  
بیچ چیز او را از دخول جهنم مانع نباشد مگر موت این حدیث و این شری و این جهان و این مرد و یحیی و

دار قطنی از ابی امامه و سقیه از علی و از حدیث صلح علی بن الداهسی روایت کرده **فصل**  
 ظهیری و اصحابی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود علی الله علیه و سلم برای اهل الله الله حشت  
 نباید در وقت مرگ و نه در قبر و نه در وقت بعثت اهل انجیث اگر بر عجم و الله الله گویند شود  
 که بر قدر که حشت کفار را باشد البته مسلمانان را نباشد و نفی مطلق حشت نتوان کرد بسبب تعارضی  
 دیگر احادیث که بر غدار قبر عصاة مومنین دلالت دارد و ظاهر آنست که مراد از اهل الله الله  
 که بقا و بقا منور شده اند در ساحت سینه شان خبر از ذات پاک هیچ مقصود نماند چه آنکه عباد  
 عبادة است از کمال تذلل پیش معبود و شک نیست که هر چه مقصود است باشد آنکس را بر حصول مقصود  
 خود کمال تذلل اختیار میکنند پس هر چه مقصود است معبود او است معین الله مقصود الله و الله معبود  
 الله به یکجا میرسد و چون مقصود او جز ذات پاک هیچ نماند از رقیبه ما و الله آزاد شد و از شرک خفی  
 پاک گشت و او را در حالت حیات انس و رغبت با خدا باشد نه با چکس او را خلوة در انجمن هم رسید  
 پس با وجودیکه در انبوه باشد باطنش مشغول است بخدا نه بکس دیگر لا یومن احدکم حتی یتکون الله  
 عنه کالذی باع نفسه ایمان کامل نمیشود مگر مردم نزد او مثل اطاعت تر باشد یعنی با چکس سر کار نشسته باشد  
 پس از این که ایمان که انبوه او را مانع خلوة نیست اگر چه کار انبوه موجب مشغولیت میشود او را در تمام  
 بعد از اولی انس است پس او را در قبر از جهات مردم چو او حشت باشد بلکه زیاده تر از آنست و انس باشد  
 با کسی که تر از انس است جان را بچکاند غرض از خیال و خاغان را چه کند و دیوانه گینه پردو



جهان منجی. و دیوانه تو پیر جهان را چه کند از چمن بهشت را گلب نی کنند مگر باران که مرضی خداست و  
 در آن دیدار خداست و ما موریم بطلب او چنانچه بنویسد در سوره بقره **وَمَا يَسْتَفِئِدُونَ مِنْهُ** چون طمع خواهد زنی سلطان  
 دین و خاک فرق فاعلم الله انین اللهم ارزقنا حبک وحب من یحبک وحب عمل یقربنا الی حبک  
**باب** انبیاء و اولیاء در قبور خود بنماز و ذکر خدا مشغول و قلند و باشند در صحیح مسلم از انس مرویست که  
 رسول خدا صلی الله علیه وسلم در شب معراج بر قبر موسی علیه السلام و او در قبر خود نماز میخواند و ابو عبید  
 از انس از آن حضرت روایت کرده صلی الله علیه وسلم که از بنیان زنده اند و قبر خود نماز میخوانند و توبه می  
 و حاکم و غیره بنماز از ابن عباس روایت کرده که بعضی رحاب رسول صلی الله علیه بر قبر خیمه زد و  
 نمیدانست که ایجا قبر است تا گاه انجا آن بود سوره ملک خوانند آن صحابی تا آن حضرت صلی الله علیه  
 بگریه آمد آن حضرت فرمود که این سوره مانع است و نجات دهنده از عذاب قبر حافظ زین الدین **کفنه**  
 که حق تعالی بعضی را از اهل بزم گوید چنانکه تا حال صراط اگر چه در آن عمل او را ثواب نباشد  
 عمل از موت منقطع شده لیکن عمل او بر او نشست که نعم و قلند کند بخدا چنانی ملک و اولاد  
 بهشت نعم و قلند کنند بخدا چه نفس ذکر از نعم دنیا بهتر است اقول نفس نکر از نعم خیر  
 هم بهتر است پس قوی او که او را ثواب نباشد نیز است که عوام از سر و دوش و علفه میگیرند و  
 خطی بردارند از آن بسبب که در آن ذکر محبوب است خواص که محبوبان جز حق جل و جلالند  
 لذت و غفلت این از ذکر خدا آنگاه نیست خلل فی در حدیثی ضعیف روایت کرده از ابی عبید

سکه شد

بسی است





که هر که داخل مقابر شود بر آتش از خدا طلب مغفرت کند و بر آتش رفته کند گویا که نماز هزاره آنها  
کنارده **باب در جوار ارواح** روایات مختلف آمده مالک و ابن شریک صحیح از کتب مالک  
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله که روح مسلمان پرنده است متعلق باشد و در وقت حقیقت تا که  
روح کند مورخه او روز قیامت و احمد و طبرانی از امامانی از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نقل  
روایت کرده و یحیی بن عمار از امام شریک و مرآت ابی معروف و ابن ماجه و طبرانی در روایاتی از امام  
آورده که شنیدم از آن حضرت صلی الله علیه و آله که میفرمود روح مومن پرنده است سبز میکند و بهشت چاک  
خواهد و روح کافر در سجین است و طبرانی و غیره از غیره بن جیب از آن حضرت در سند روایت کرده  
که روح مومن در پرنده سبز باشد میگردد بهشت چاک خواهد و ارواح کفار در سجین محبوس اند و  
در بعضی روایات آمده حق شنید آمده ارواح شهیدان در گنج پرنده سبز باشد که بجز در نه ماهی حیات  
چاک خواهد و جابر کبری در فقه بلخی از عیسی بن مسلم از ابن مسعود از آن حضرت صلی الله علیه و آله  
آورده و ابوداؤد و حاکم و غیره از ابن عباس از آن حضرت صلی الله علیه و آله در حق شنید آمده  
آورده و ثقی بن مخلد از ابی سعید خدری از آن حضرت صلی الله علیه و آله نحوه و حداد بن سیرین از  
ابی سعید نخعی و ابوالشیخ از انس روایت کرده که حق شنید از امام در گنج پرنده گنج سفید در دنیا  
متعلق بوشی گردانند و این منزه از این شباب بلاد گفته که ارواح شهیدان مانند پرنده سبز متعلق  
باشند و ابی حاتم از ابی الدرداء آورده که گفت ارواح شهیدان از پرنده سبز در فقه بلخی متعلق

زیر لاشی باشند بیکرشته در چمنهای بیست هر جا خواهند در صحیح بخار از انس مرویت که رسول صلی الله علیه و آله  
 در حق حارث بن سراقه که شهید شده گفته که او در فردوسی اعلی است و اینی را حدیث که در حق شهید او دارند  
 و دلالت ندارد بر آنکه سوا بی شهید که یک دیگر باین مرتبه نباشد اینها حدیقین از شهید افضل اند و احادیث متعدده  
 و دلالت دارند که ارواح مومنان در بهشت باشند و آن تخصیص شهیدان نیست دیگر احادیث در حق اطفال مسلمین  
 وارد شده اند که در بهشت باشند و حکم و ابوداؤد و غیره از اسیریه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله  
 که او را در مومنین ذکر کرد در بهشت باشند پرورش کنند آنها را ابراهیم علیه السلام و صالحه رد کنند آنها را موسی  
 ابا دثان روز قیامت و از خالد بن سعدان آمده که از سبطه طوی شیر خورده و سعید بن مسفور از کفعل از اخیره  
 در سبل روایت کرده که ذریه مومنان در عصفور یا رسیز باشند در بهشت و این ابی شیبه و یحیی از ابی بکاس  
 از کعب روایت کرده که در بهشت در پرند سبز ارواح شهید باشند بیکرشته در بهشت و ارواح اطفال مسلمین  
 در عصفور یا در پخته باشند و ارواح الی فرعون در پرند سیاه صبح و شام پس آورده شوند بر دوزخ و چمنی جنب  
 بن سیدی از حذیل روانه کرده و چون اطفال مسلمین که بمکه بعد از ابدات مسلمین ملحق اند و در بهشت باشند  
 پس که مسلمین که بعد از تقوی آراسته باشند بطریق اولی در بهشت باشند از اینی احادیث معلوم میشود که ارواح  
 مومنین در بهشت باشند و ارواح کفار در دوزخ لیکن چون در قرآن و حدیث غالباً ذکر مومنان و کافران آمده  
 مومنان کامل در آورند و عطا مومنین در مقابل کفارند که نشده اند پس این احادیث را بر مومنان کامل حمل باید  
 کرد و آن چهار کرده اند النبیان و الصدیقین و الشهداء و الصالحین مراد از صالحین اولیای الله



اند که تلویشان از اشتغال با سوی اله پاک گشته صالح تجلیات الهی گشته و در حق آن رسول فرمود  
 صلی الله علیه و آله ان فی قلب نبی آدم لمصنعة ادا صلیت صلیح الجسد کله و اذا فسدت فسد الجسد کله  
 و الله یحب القلب یعنی در بدن این مصنعه گوشت نیست اگر صالح شد تمام بدن صالح شد و اگر فاسد شد  
 تمام بدن فاسد شد آگاه باش که قلب است نفوس انسان از زوایا صفات پاک گشته از الهیوسیه باطله  
 استغفار کرده بر صفات الهی لطیفان پذیرفته حق تعالی و حق وی میفرماید یا ایها العقلی المظلمة  
 ارجع الی ربک راضیه مرضیه فادخل فی عباد ربی و ادخلی جنۃ سوار آن چهار کرده هر که خدا خواهد  
 باین بزرگان ملحق سازد که حق تعالی میفرماید و من یطع الله و ارسلنا نورا و انوار مع الذین انعم الله علیهم  
 من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین حسن احوال رفقا و رفیق را جادین و دلالت دارند  
 که حق تعالی شهادت او بیرون نیست است چنانچه احمد و طبرانی و ابی ابی بن شیبہ بسند حسن از ابن عباس روایت  
 کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله سلم ارجع الشهداء و الشهداء یرید و رواه بیست و رفقه بیست و بر آید  
 آنها از رزق در جنۃ جمیع و شام و خاد بن لیری و ابن ابی شیبہ از ابی بن کبیر روایت کرده که  
 شهداء باشند در جنۃ بیرون نزدیک نیست فرستاده شود بسور آنها ماهی و کاه و باهم تلذذ و اعتزاز  
 کنند و شهداء با آنها یاری کنند و قبیله خود بندگان از آنها دیگر را بکشند پس بخورند آنرا و لذت ببرند  
 در جنۃ است از آن باند و آدم بن ابیسی از مجاهد روایت کرده که بیرون جنۃ باشند و حیوة جنۃ  
 و بر آن با آنها رسد این احادیث در قوه مثل احادیث سابقین نیستند و بحتم که هیچ شهادت

این آیه در فضیلت اهل حق است که بوی کبر و در کار خود  
 در کار خود از هر شیئی برترند و در افعی گفته اند افعالی  
 پس در افعالی گفته اند که حق تعالی در افعالی است

و این آیه از حدیث است که در آنجا که در حدیث است  
 و این آیه از حدیث است که در آنجا که در حدیث است

بیرودن جنه باشد چنانچه در احادیث شریفه از چند تنه فرموده مرد صالح جید الایمان خالق  
شعبه شد مرتبه او اعلی است انبیا بر وی بدرجه نبوة فضل دارند و مردی است که عمل صالح او  
غیر صالح میکند شعیب را گفت آن او بخشیده شود لیکن از دخول جنه دین یا چیزی دیگر از حقوق اهل  
ادرا مانع شود چنانچه مسلم از ابی قتاده و عبدالله بن عمر بن معاص و روایت گفته که آنحضرت فرمود که شعیب  
هم گناهان بخشیده شود مگر دین جبرئیل بمن معین وقت گفته و بعضی احادیث و دلالت دارند که ارواح مومنین  
در آسمان به مقام باشند و منازل خود که در بهشت اند می بینند و همچنین ابو نعیم بسند ضعیف از اسیر  
روایت کرده و ذهب بن منبه گفته که در آسمان به مقام خانه است که انجا ارواح مومنین جمع  
می شوند هر که می میرد انجا می رود و ارواح سابق از روی اخبار و نیای پرنده و سعید بن منصور  
سلمان فلک روایت گفته که روح چون از بدن خارج شود در میان آسمان و زمین می ماند  
ابن عباس و حکم بن زید و ابن ابی الدنیا و ابن منذر از سعید بن مسیب از سلمان روایت کرده  
که ارواح مومنین در برزخ باشند از زمین گیر کنند هر جا که خواهند و نفس کافر در سجین این احادیث  
و اقوال اگر بدرجه صحیح رسند محمول بر آن باید که بعضی مومنان اعمالشان آنقدر مستعدت  
باشند که داخل بهشت شوند در آسمان به مقام باشند بعضی از آنها ایمان باشند که در آسمان برتر  
نهند و سعید در میان زمین و آسمان باشند لیکن محبوس بدنوب چندان نباشند قدره که  
دانسته باشند و بعضی دیگر که بدنوب اسیر باشند قدره که سیر نداشته باشند طبرانی در المعجم



کوده که جنازه آمد رحمتی علیه السلام پرسید که برین دین نیست گفتند بخت فرمود نماز من نفع نخواهد کرد  
 محبوس باشد و قبر روح او بسور آسمان صعود نکند اگر کسی دین را خاص کند نماز خوانم و ترنم طریقی  
 و غیره از بهر بره رعایت کردند که روح مومن محبوس باشد تا که دین ادا نشود و پیمان از اخذت از برادر  
 بن عازب بطریق روایت کرده که مدیون محبوس باشد تا که بابت تنهایی خود کند پیش خدا و برادر دیگر  
 از ابن عباس روایت کرده که حضرت فرمود که ای یاکسی از هذیل است یا رستم بدو از بهشت محبوس است  
 عوض دین اگر خواهند دین ادا کنند و اگر خواهند او را عذاب خدا بسیارند پس کسی که سبب دین یا  
 مانده آن داخل بهشت نتوانند شد یا بدو از بهشت نتوانند رسید یا از آن گمان برتر نروند یا  
 در قبر محبوس باشند در روح کفار هم آن در بهشت و نیز زمین بهشت جای که در روح است محبوس باشد  
 و صبح و شام بدو روح پیش آورد و شوند معنی آنش پیش آورده شود بر آنها صبح و شام و در دنیا  
 گفته شود که داخل کنند آل فرعون را در سخت شر عذاب انکار یعقوب علیه السلام و او عشیای و هم  
 تقوم الساعه او فلو آل فرعون انک العذاب دین را حدیث باین وجه تطبیق و دلالت میکند  
 دیگر احادیث دلالت دارند که ارواح مومنین و کفار هم آن در قبور آنها هستند ضیاع حدیث طریقی  
 بر ابن عازب گفته که روح مومن را فرشته ناما ترسمان بهشت رسانند حکم شود بنویسد کتاب  
 بنده حسن و علیین و باز برید او را بسوز زمین که از زمین پیدا کرده ام و باز در در گروانم و  
 باز از زمین برین آرام پس داخل کرده شود روح در جسد او و دیگر احادیث هم باین معنی دلالت

دارند تا آنکه ارواح انبیاء در قبورشان باشند رسول کریم صلی الله علیه و سلم موسی علیه السلام را در شب  
 معراج دید که در قبر خود نماز میخواند و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که در روز قیامت برین نزد قبور من  
 ایستاد اگر از دور فرستد رسانیده شود بمن بنابر اختلاف روایات اقوال علماء و در بنیاب مختلف اند  
 ابن عبد البر گفته که زین احادیث اخوه اصح اند و احادیث سوال شکر نکرد و نمودن مکانها در این است یا  
 حضرت خضر و غراب قبر و ثواب در آن و زیارة قبور و سلام بر آن و خطابشان مانند خطاب حاضر عاقل  
 بعین دلالت دارند که ارواحشان در قبورشان باشد و نسخی در بحر الکلام گفته که ارواح انبیاء چون  
 از جسد بیرون میشوند صورتشان از رنگ و کافور باشد و در بهشت باشند بخورند و بنوشند و تنعم نمایند  
 و شبانگاه در قنادیل زیر عرش جای گیرند و ارواح شهیدان در کرم برنده بسز بخورند و بنوشند و تنعم  
 و شبانگاه در قنادیل زیر عرش باشند و ارواح دیگر مردم مطیع از مومنان بیرون نزدیک بهشت باشند  
 آنها را خورند و تنعم نباشد مگر آنکه بهشت بهشت را و ارواح مومنان عالم و میان آسمان و زمین باشند  
 و زمین هوا و ارواح کفار و سحبی باشند و در کرم جانوران سبزه زیر زمین بهشت و آنها را بوجه در نصایح  
 باشد با جسد ارواح را غدا باشد و ارواح در درسد چنانچه آفتاب بر آسمان است و نوروی  
 خفیف و حافظ این جز عقلانی رحمة الله علیه میگوید که ارواح مصلحان در علیین و ارواح کفار در سحبی و  
 بر یک روح را با جسد خود اتصالی باشد معنوی که به آن اتصال نیست که در حیوة دنیا بود بلکه  
 مشابه و لم شود بحال خفیه و لم شود لیکن آن اتصال از اتصال خفیه قدرت است شیخ جلیل الدین



میگویند گفته که باین تقریر آنچه در احادیث آمده که جابر فرار از آن در علی بن ابی طالب و آنچه ابن  
عبد البر از جمهور نقل کرده که نزدیک قبور آمده جمع میشود و فقیر درین مقام جمیع این الاحادیث  
و در آن می بیند که ملکوتی چون روح مومن را قبض کرده بسوی آسمان می برند بالذی آسمان پیغمبر  
از آنجا حکم میشود که نامه او در علی بن نبوتند و او را باز بسوی زمین برند که او را از میان رشتن  
پیدا کرده ام و باز بسوی عاید سازم و باز از آنجا برون آرم پس روح را داخل جسد آن کنند و کمال  
مکمل و تکمیل شود و انبیا و کنی که مشایخ نامه با انبیا هم رسانند آن آنها از سوال ارفع است و بعد  
چون بر جواب حق ثابت شود حکم شود که فرشتی کنند بر او از بهشت و چون کند دهند از بهشت و  
بر او دروازه بسوی بهشت آنگاه روح او صعود کند بهمان راه که از قبر به بهشت باشد بسوی بهشت  
از روح انبیا و صدیقان و شهدا و اولیا در آن بهشت باشند و هر جا خواهند گیر کنند و بخورند و زیارت  
و زبر عرش جا گیرند و در علی بن و اعلی علی بن هر یک بر حسب مراتب خود باشند و دیگر مومنان  
را آنها را برائی تا از آنجا نباشد تا آسمان پیغمبر باشد و عصاة مومنین را تا که مغفوة و نور بهشت  
از آسمان ترقی میرسد و در میان آسمان و زمین باشند و در برزخ زمینی بمانند بلکه در حالت با  
معاصی بعضی را از قبر ترقی نشود و مجوس باشند و کفار را که از روح قبض کرده به برزخ گیرند  
آسمان بر آنها مفتوح نشود و نامه او در سجین نوشته شود و او را باندازند و روح در جسد او داخل  
شود و از آنجا بر او بسوی برزخ کنده از آن راه روح او را بسوی رسانند و هیچ در شام





کافر و لاله دار و برنج و مایه و روم میفرمایند **غیر آب و باد و خاک** آنکس بنده اند پیش مافرو و با حق  
 زنده اند **حق** تا که حق شهید میفرماید بل اجساد عند ربهم اقل مراد آن بدانند که حق تا که ارواحشان  
 را قوه اجساد نمیدهد و چنانچه گفته و این حکم مخصوص شهیدان و نیرت انبیاء و صدیقان از شهیدان افضل اند  
 و اولیایم در حکم شهیدانند که جواد با نفس کرده اند که جواد اکبر است و جعفر است از ائمه و اولیایم  
 در آن کنایت است و لهذا او ایاد الله گفته اند ارواح اجساد و اجساد ارواح و احسان یعنی ارواح با کار  
 اجساد میکنند و گاهی اجساد از غایت لطافت برسد ارواح می برآید میگویند که رسول خدا را **جسد**  
 صلا الله علیه و سلم ارواح این در زمین در آسمان و بهشت بر جا که خواهند میروند و دوستان و معتقدان  
 را در دنیا و آخرت مددکار میفرمایند و دشمنان را بلکه نجات میدهند و از ارواح این بطریق اویسیه فیض  
 با طهر میرسد و بسبب همین حیوة اجساد آنها را در قبر خاک نمیخورد بلکه کفن هم میمانند این بی ادبها  
 از مالک روایت کرده ارواح مومنین بر جا که خواهند میروند مراد از مومنین کامل این روح تا که اجساد  
 اینها را قوه ارواح میدهد که در قبور نماز میخوانند و ذکر میکنند و قرآن میخوانند حضرت محمد و علی  
 علیه السلام فرموده که حق تا بیخه اولیا را جسم موی بر میدهد و این حکم در حق شهیدان از حدیث ثابت است که  
 آنکه مرگ فرموده صلا الله علیه و سلم و قسید این شهید میخورد حق تا جسدش را میبندد بهترین صورتی که  
 میخورد روح او را که درین بدن و داخل ثوبی میسند عباد اول را آنچه باور کرده میشود و نمیکنند  
 و گمان می برد که مردم سخن او را نمیگویند و گمان می برد که مردم او را میبینند تا که مرگ از ارواح او حورین

یعنی با کشتن اجساد و درین دنیا و با کفار و کفری جانداران  
 که جواد و جعفر است و جعفر است و جعفر است و جعفر است  
 یعنی با کشتن اجساد و درین دنیا و با کفار و کفری جانداران

پس او را همراه خود می برند این حدیث را از ابن منذر و مسل روایت کرده **باب** غایت زندگان برقرار  
مرد عزن **که می شود** احمد و غیره از انسی روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اعمال شما  
بر اقربار شما که مرده اند که می شود اگر اعمال خوب می باشد خوش می شوند و اگر بد می باشد ناخوش  
می شوند و میگویند که این آثار را نمی دان تا که برایت کنی و پنهان طیارسی از جابر بن عبد الله  
عمر بن مبارک و ابن ابی الدنیا از ابی ایوب روایت کرده و درین باب اسنادیت از نعمان  
بن بشیر و ابی هریرة و ابی الدرداء و غیره روایت **باب** ارواح مومنان در خواب عروج میکند  
تا عرش و در عروج عرش ظاهر او را در آنست ارواح مومنان کامل است از دنیا و او دنیا چون <sup>طین</sup> شایه  
و او در خواب باران پیدا و خل ممکن نیست خوابها را نشان و اصل و حیرت و عروج ارواح اروا  
تفاوت آسمانها می شود خوابها را نشان که کثرت صادق می باشد و چون عروج ارواح ارواح بالادی  
آسمانها باشد خوابها را نشان که کثرت باطل می باشد در خوابها را اولیا که از زیر آسمان بلند گاهی <sup>خط</sup>  
شیخ طبری می شود از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم مردی از من  
چون خواب میکند روح او بسوی عرش صعود میکند و از آنجا در آسمانها آنچه در خواب می بیند آن  
هم صادق می باشد و چون از آنجا بازی آید و زیر آسمانهای پست شیطان و در هوا ملاقات میکند و  
دروغ میگویند آن خواب کاذب می باشد و پیغمبر از عبد الله بن عمرو بن العاص روایت کرده که  
ارواح میرند بسوی آسمان و اگر کم می شود بسوی عرش پس هر که پاک می باشد بسوی عرش



عش و هر که پاک باشد سجده میکند بعد از رکعت و این مبارک از ابی الدرداء روایت کرده که روح  
کومی در خواب توحش میکند بعد از رکعت پس هر که پاک باشد اذن میشود او را بسجود و اگر محتجب  
باشد اذن نکرده شود و بپای در آنچه مرده را از زندگان ایضا میرسد طبرانی و حاکم از عماره  
بن حرم روایت کرده که در رسول صلی الله علیه و آله سلم بر قبر رختسته دید فرمود که از قبر خود آئین ایستای  
صاحب قبر را و او ترا ایند نکند و بخار از عایشه روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه و آله سلم در کاف  
به نگوئید بدو کسی که آنها رسیدند و بپای کرده بودند و در روایت ابی الدرداء آمده یاد داشته  
مگر خیر اگر آنها از اهل بیت اند گفته کار نروانند شما و اگر آنها از اهل ذریع اند نسبت آنها را آنچه  
دران هستند نیز از صفیه بن شعیب روایت کرده که حضور آنحضرت صلی الله علیه و آله سلم مرده  
را به بدر یاد کرده آنحضرت صلی الله علیه و آله سلم فرمود که بخشکی یاد کنند و ابوداؤد از ابن عمر روایت  
کرده آنحضرت فرمود صلی الله علیه و آله سلم که بیکبار مرده ذکر کنند و بدو بار ذکر کنند و این ابی شیبه از عقیبه بن  
عمار صحابی آورده که گفت که اگر قدم من بر رکعت یا بر شصت بر رکعت نهدم از آنکه قدم من بر رکعت  
توضا و حاجه کردن و دعا برود و در بازار حضور آدمیان یکسان میدانم و این ابی الدرداء روایت کرده  
که سلیم بن عقیله در مقبره جلی نکرده و گفت حیا میکنم از مردگان چنانچه از زندگان میکنم و این  
منصور و ابی ابی شیبه از ابی سعید روایت کرده که پرسیدند از پائمال کردن قبر فرمود عقیله  
ایند لا مونی در حیات مکرده پیدانم همچنان ایستاد و بعد موت مکرده میدانم **فصل** رسول فرمود

حیة الله علیه وسلم المیت یغیب بمکاد اهلته علیه یعنی مرده عذاب کرده میشود بسبب کربتین و نوح  
 کردن اهل را و بر و برایتی را بخاری از عمر بن الخطاب و ابو یعلی از زید بن اسود و ابن جابر  
 از عمران بن حصیش و انس و طبرانی از سمرة بن جندب و ابن منذر و غیره بن شعبه و ابن سعد از ابن عمر و  
 کرده و در صحیحین از عائشة روایت کرده که پیغمبر خدا چنین فرمود است که هر ده بسبب نوحه اهل او مفید است  
 یکم اینست و حق مرده کافرت یا در حق کسی که بسبب دیگر نماندن معذرت است آنحضرت فرموده که اهل  
 بر میت نریه و نوحه میکنند و او عذاب کرده میشود و معنی حدیث سابقین همین معنی فرموده و خود  
 بدتر و از زره و زراخری معنی برنی دارد و یکس کناه و دیگر را اولاد دارد که یکس بسبب کناه و دیگر را خود  
 خواهد شد لهذا علماء حدیث سابقین تاویل میکنند چنانچه عاریه گفته یعنی محمول است بر میت  
 یا فاسق و بعضی میگویند مراد از میت کسی است که عاده او نوحه بود یا کسی که بنوحه و حیت مرده امام بخاری  
 با بعضی قایل گشته و بعضی میگویند که مراد کسی است که بعد از آنکه اهل من خوانند کرد و او از آن منع کرده  
 و بعضی میگویند که مراد از تعذیب توبیح بلکه است بدینچشم اهل او ندیده میکنند و فرزند حاکم و ابن ماجه روایت  
 کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که بمیرد و ندیده گفته بروی بگوید و اجملاده و اسیداده و مانده  
 و فرشته در سینه او بر نهد و بگویند یا این چنین بود و کعبیم اگر میت بنوحه و ندیده رافعی نباشد منحنی این  
 توبیح نباشد و بعضی میگویند که میت تمام در بخیه میشود از آنچشم اهل او میکنند طبرانی و ابن ابی شیبه از قیل  
 بنف محضر روایت کرده که ویزد کرد رسول صلی الله علیه و سلم فرزند خود را که مرده بود پسر بکریت



پس فرمود رسول صلی الله علیه و سلم آباغالب میشود بر یکی از شما که صحبت دارد با دوست خود در دنیا بخوبی و تنگ  
بگیرد آنرا نه و آنرا این را چون گوید قسم یک که جان محمد و دوست او است بدرستی که یکی از شما که  
میکند پس عاری میکند بوی و دوست او پس این زندگان خدا عذاب میکنند موده خود را و این قهر  
این حریر و این تمییه و اکثر ائمه اخبار کرده اند سعید بن منصور روایت کرده که ابن مسعود فرمود  
را که در جنازه دیده بودم باز کردید با خود فراتر یعنی یار برادر نه تنها غیر باجورات بدرستی که  
میکارند زندگان را و اندام میکنند و کافر او یحیی بن سعید از حسن بصری روایت کرده که بدترین آدمی  
بر زمین است اهل اوست برور که میگردد و این او را میگویند **باب فی ضربی که میفتد در فرشتی ابو نعیم** از  
ابی سعید خدری روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم و فتیکه بنده مومن می میرد و فرشته  
یعنی کاتبان اعمال او بسور آسمان صعود میکنند و میگویند از پروردگار ما را موکل کرد بودی  
را از نوشتن عمل او و او را پیش روح کردی پس اذن فرما که در آسمان باشم حکم نمود که آسمان  
پرست از فرشتگان من تسبیح میکنند بر او پس بگویند که اذن فرما که در زمین باشم پس فرجاید که  
زمین من هم پرست از خلق من تسبیح میکنند لیکن شما بر قبر همان بنده من استاده باند و تسبیح و تهلل  
و تکبیر میگویند مانند ما در قیامت و آنرا بر این بنده من بنویسند ظاهرا آنست که ای حکم بر این مومن کامل  
که چهار فریق اند و این ابی الدیاد ابو نعیم در حلیه از ثابیت بناتی روایت کرده که چون مردی  
در قبر نهاده شود اعمال صالحه او را احاطه کنند و از فرشته عذاب پس یعنی اعمال او بگویند و در

از وی اگر بخود او را بخیر من تا بم نبرد بر تو بوی و در هیچین از انست که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم  
 که هر کس چیزی بپوشد او میکشد اهل حال و عمل و چیزی باز میگردد و عمل نزد وی باقی بماند و این دینی  
 از یزید بن منصور روایت کرده که در آن میخواند وقتیکه چون ملکه عذاب حاضر شدند تا قبض روح  
 کنند قرآن بر او میخواند گفت ای پسر در کار مسکن من است که در آن مرا است که کن کرد و حق تو بود بکار دیگر  
 و این مسکنی او را و اصحابی از ابی نهال روایت کرده که هیچ رفیق در قبر محبوب تر بود مردی از استغفار  
 کثیر ثبوت و در صحیح مسلم از ابی هریره روایت که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم و ثبوت آن مرد عمل را قطع  
 شد مگر چیزی که صدقه یا ربه یعنی وقف و دیم علم که مردم از او ریفیع میکنند ثبوت مردم بعد از آن از علوم او شفع  
 میشود یعنی ملائکه گذارنده یا کتب تصنیف کرده اند الله میوم اولاد صالح که بر او دعا کنند و احد از ابی زبیر  
 از حضرت صلی الله علیه و آله و سلم چهار چیز آورده چهارم شفعی که در ابواب است در راه خدا یعنی برار محافظه اهل اسلام  
 بر راه عبور کفار بنیست چهارم نسیه بود مرد عمل او هم بعد موت جاریست و این ماحیه و این خیریه از ابی هریره  
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم از پنج مسلمان را بعد موت او از جنات او میرسد علم است که بر او کند  
 کرده یا اولاد صالح گذارنده یا مصحفی که از سنه بنیست تا مردم در آن تلاوت کنند یا مسجد یا باب و راه را بنا کرده یا نه  
 چهارم کرد یا خدمت در حاله صحیح خود از مال بر آورده پس بعد موت او بوی بد خوش ندهد و او بنیم و بزرگفتن خبر  
 از کفر از بنی خلد آنکه چاه کنده بود یا درخت نینده و این عا اگر از ابی سعید خدری از حضرت صلی الله علیه و آله و سلم  
 روایت کرده که هر که یک نسیه از قرآن یا یک شعله از علم یا یک بار بامزد جاری در راه الله یا ثواب آن تا روز



و طبرانی از ابو یزید آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که اگر کسی در بستان برآید و در آنجا بماند آن بستان  
بگوید که ای این درجه مرا از کجا شد گوید بسبب استغفار و لذت تو بر آید و نیز از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله  
علیه و سلم روایت کرده که در این مثل گویند از حسنات روز قیامت رسد گوید این از کجاست گفته بنود که بسبب استغفار  
فرزند است و در صحیح مسلم از جریر بن عبد الله از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت که هر که در بستان برآید و در آنجا بماند  
و از او اج داد و از ثواب آن حسنات باشد و ثواب هر کسی که بدان حسنات عمل کرده باشد رسد بی آنکه ثواب عمل  
کننده آن حسنات کم شود و هر که طریق به چهار یکدین عمل بداد و از او را گفته آن عمل باشد و هر که  
بدان عمل کند بی آنکه حسنات از کفاره عمل کننده آن کم شود این سعد از جابر بن جویه روایت کرده که سلمان بن  
عبد الله گفت که از خبری از یکی از خلفه را در قریه محفوظ دلدار است که بعد خود در صالح را خلق  
پیغمبر و دیگر از این عباس روایت که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که نیت مرده در قبر میخواند غرق  
شونده فریاد کننده انتظار میکند دعا بخرد که برسد او را از پدرش یا مادر یا فرزندی و دست معتمد علیش  
چون برسد او را بماند محبوب تر شود از دنیا و مافیها و بدینست که حق تعالی داخل میکند بر قبور از دعا  
اهل زمین مانند گویند بدینست که بدین زندگان بسوزد و اهل این دنیا از رخصت  
روایت که گویند چنانچه زندگان بسوی تمام و آب محتاج اند و در آنجا بسوی دعا از این محتاج ترند و از  
کنش علمای منقول است اجماع بر آنکه دعا از زندگان مرده را نفع میکند و دلیل آن از قرآن است قوله تعالی  
و الذین جاءوا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا وللاخوانه الذین سبقونا بالایمان و طبرانی در

از انس از اخبرن محمداً علیه السلام روایت کرد که فرمود که ای عیسی بن مریم در حقیقت داخل قبر می‌شوند  
 با کفانی و بیرون خواهند آمد از قبر با بی کفانی و در آنجا که ای کفانی و بی کفانی را بستاند و بر آن  
 در حقیقت ای عیسی بن مریم علیه السلام روایت کرد که فرمود که ای عیسی بن مریم علیه السلام روایت کرد که فرمود که ای عیسی بن مریم  
 رکان دادم که اگر چه از من می‌گفت تصدق میکرد آیا او را ثواب باشد اگر من تصدق کنم از طرفی فرمود  
 اگر چه بخار از این عیسی بن مریم روایت کرد که فرمود که ای عیسی بن مریم علیه السلام روایت کرد که فرمود که ای عیسی بن مریم  
 اگر من از طرف او صدقه کنم او را نفع رسد فرمود اگر چه عیسی بن مریم روایت کرد که فرمود که ای عیسی بن مریم  
 من صدقه است از طرف او و احد و احباب من از عیسی بن مریم روایت کرد که فرمود که ای عیسی بن مریم  
 من صدقه است از طرف او و احد و احباب من از عیسی بن مریم روایت کرد که فرمود که ای عیسی بن مریم  
 و عیسی بن مریم از انس آورد و طبرانی از ابن عمر روایت کرد که رسول فرمود صلی الله علیه و آله  
 و منبکه تصدق کند یک از شی صدقه نقل باید که گذران صدقه را از پدر و مادر خود پس باشد ثواب  
 آن صدقه پدر و مادرش را که نود و نوزده و عیسی بن مریم روایت کرد که رسول فرمود صلی الله علیه و آله  
 و طبرانی در او را از انس روایت کرد که رسول فرمود صلی الله علیه و آله که باشد اهل خانه که از آنجا  
 عیسی بن مریم تصدق کند از طرف او بعد از آنکه پدر و مادر او عیسی بن مریم تصدق کند از طرف او  
 کفاره قبر او و بگوید از عیسی بن مریم این پدر و مادر است بنوا اهل تو پس قبول کن پس آن پدر  
 بر در داخل شود پس خوش شود بدان و عیسی بن مریم بگوید ای عیسی بن مریم تصدق کند از طرف او



و این ابی سیب از سعید بن سعید روایت کرده که اگر از طرف میت یا بچه صدقه کرده نهند پیرانه  
 رسد او را و طبرانی از عقیقه بن عامر روایت کرده که زید گفت یا رسول الله حج کنم از طرف  
 مادر خود فرمود اگر بودی بر مادر تو دین ادا می کردی گفت آری پس امر کرد که زید را اگر حج کند  
 همچنین هزار و طبرانی بسند حسن از انس روایت کرده که آنحضرت امر کرد مردی را برای ادای  
 حج از طرف پدرش و طبرانی از ابی هریره روایت کرده هر روانی فرموده صلی الله علیه و سلم  
 هر کس حج کند از طرف مردی پس حج کند و را بگمان قدر ثواب شد و بیعت و اصداد از این عمر  
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر حج کند برای والدین خود بعد از آن  
 بنویسد الله تعالی بر او آزاد را از انس و مادر و پدرش را ثواب حج کامل میرسد  
 و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم هر کس حج کند برای پدر و مادر و برادر و خواهر  
 این ابی سیب از عطاء و زید بن اسلم روایت کرده که مردی گفت یا رسول الله آزاد کنم  
 از طرف پدر خود که مرد است فرمود آری و نیز از عطاء روایت کرده که میرسد بعد از آن  
 ثواب عتق و حج و صدقه و روایت کرده از محمد باقر رضی الله عنه که حسن و حسین علیهما السلام  
 از طرف علی رضی الله عنه آزاد میکردند و این سعد از قاسم بن محمد روایت کرده که حج  
 از طرف برادر خود عبد الرحمن از مال قدیم خود آزاد کرده بامید آنکه نفع کند او را  
 بعد از آن او را ابو العباس از عمرو بن العاص روایت کرده که گفت یا رسول الله



عاصی و صبیحه کرده بود بازاد کردن خود برده پس آزاد کرد و بی نام از انجمن بیاه فرمود نه صدقه و نه عتیق  
کرده میشود مگر از مسلم اگر مسلم مریم و او را ثواب میرسد و این ابی نعیم از حجاج بن دینار روایت کرده که  
رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرمود که یکی کردن با پدر و مادر آنست که غار کنار بر آستانها با غار خود و روزه  
و در بر آستانها روزه خود و صدقه و هر از طرف آنها با صدقه خود و در صحیحین از عایشه روایت که رسول  
خدا صلی الله علیه و آله هر که ببرد و بر پدر و مادر واجب باشد روزه دارد از طرف او و قریب او و مسلم در  
صحیح از بریده روایت کرده که زنی گفت یا رسول الله هر مادری در روزه و عیاله واجب است اگر از طرف  
او روزه دارم کفایت کند او را فرمود آری باز گفته که مادری که با هر چه بکند بود اگر از طرف او روزه  
کنم او را کفایت کند فرمود آری و حنفی ثابت شد که ثواب عبادتی بدنی مانند غار و روزه و حج و عبادات مالی  
از صدقه و عتیق و کننن چاه بمیت میرسد و نیز از جمهور فقها حکم کرده اند که ثواب قرآن و احکام  
و غیره بر عبادت بمیت میرسد و هم مال ابو نعیم و مالک و احمد و شافعی و مالک و حنفی گفته اند  
بقوله لا یس للذین ان اللام سخی و چون مخصوص مذکوره و اجماع و بقوله لا الحقیاب هم و هم  
ثابت شده که از اعمال غیر هم کار منفعت میشود پس تاویل این واجب شده پس بعضی گفته که این اسم  
منسوخ است بقوله لا الحقیاب هم اللام و بعضی گفته که این اسم است بابت ابراهیم و موسی علیهما السلام و بعضی  
گفته که لام بمعنی علی است بمعنی لیس الذین ان اللام سخی و بعضی گفته که مراد از انان کاف و تنان  
سیان کلام و تاویل نزد فقیر آنست که بمعنی سخی جد و کوشش است و در امر و بمعنی آنست که هر کاری



که آن می کند آنچه نیت و قصد او در کار باشد همانی او را می رسد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم انما الله  
 بالنیات و انما کل امری نیتی فمن کان من کل کلمه یجری الیه در کلمه یجری الیه در کلمه یجری الیه در کلمه یجری الیه  
 کانت یجری الیه دنیا یصیبها و اماره یلکها یجری الیه ما هاجر الیه حافظه نفسی الله بن عبد الله  
 گفته از قدیم در هر کس که عملها با حق می شود و بر او امرات توان میخوانند پس اجماع شده و خلل از شعبه  
 و ادب است که که بودند انصار و فقیه که می بود از آنها بسور قیامی رفته و بر او قرآن میخوانند و او میگوید  
 سر قیامی انصار را می خواند از آن حضرت صلی الله علیه وسلم روایت که که هر کس در قیام بر کند و قل هو الله احد  
 یا زده بار خواند تو اب آن با موانع بخشد او را تو اب و علم شود بعد مردگان و ابواب تمام سعد بن  
 از او پرسید روایت که که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر کس داخل قیام شود و بگوید یا فاکم و  
 قل هو الله احد و اهلکم التکاثیر و بگوید که آنچه خوانده ام تو اب آن با اهل قیام از مومنان و مومنان  
 که در اندیم آنهم مردگان بر او امرات میبندد بوسه ای که عبد الغفور صاحب غلغل است  
 از آن روایت که که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر کس داخل قیام شود و بگوید یا فاکم و  
 مردگان تخفیف بخورد او را بعد مردگان حسنت باشد فرطی گفته که رسول فرمود صلی الله  
 علیه وسلم بخوانند بر مردگان خود و بی هم میگویند در وقت مردن بخواند و عبد الواحد میگوید  
 گفته که نزد قبور بخواند و محب طبرک گفته که در هر دو حال خواند و در احیاء العلوم از احمد بن  
 حنبل روایت که که در قیام در قیام داخل شوند فاکم و مومنان و قل هو الله احد خواند و بر او

این کتاب احوال مومنان است که در هر کس که او را خدا می بخشد او را خدا می بخشد  
 و هر کس که در بار دنیا بخشد او را با بار دنیا که می بخشد او را با بار دنیا  
 و هر کس که در بار دنیا بخشد او را با بار دنیا که می بخشد او را با بار دنیا

یا فاکم



اهل مغایر کردند باینبار سر و بال گذشتة خواندن فاتحه نزد کرمیت و خاتم سوره بقره نزد بارادار  
حدیث ابن عمر از آنحضرت صلی الله علیه و آله اول سوره بقره و خاتم آن از حدیث عبد بن ابی اخطاب  
والله اعلم **باب** حسن اخلاص بر ارمیت ابو نعیم نزد ابن مسعود روایت کرد که فرمود رسول صلی الله علیه  
و آله که اگر از اهلان کوفه شد تو نماز بخوان یا نماز غیر یا دعای صدقه داخل بهشت شود و ابو نعیم  
از ختم روایت کرد که بودند سلف خویش میکردند آنها را از من که نزد عمل صالح یا عمره یا روزه و غیر  
یا جهاد و احد از خدیجه روایت کرد که رسول فرمود صلی الله علیه و آله هر که لداله الله الکفیه یا روزی از من  
یا صدقه یا بر حق یا بر آن ختم شد داخل بهشت شود و دیگر از عایشه روایت کرد که رسول  
فرمود صلی الله علیه و آله هر که روز جمعه یا شب جمعه در از غدا بقیه براه یافت و روز قیامت آید  
و بر قبر علامت دهد **باب** در آنکه حدیث انبیاء و شهادت در قبر خاک نشود **حاکم** و ابوداؤد در از  
اکل بنی اوس روایت کرد که رسول فرمود صلی الله علیه و آله میقتدر در دنیا و نیستد بر من روز جمعه  
بی بویست که در دو شاعر من عرض کرده خواهد شد ما گفتند یا رسول الله چگونه عرضی که خود بر تو  
در حالتی که تو بولیده نیستی خاک شده بایست فرمودی تا هر گاه که است بر زمین اجل و انبیاء  
و ابی ماحه از ابی الدرداء مانند آن روایت کرد امام مالک و غیره روایت کردند که عیسی  
عز و نه بر آورد از راه جبل احد گفت هر کس قاتل او را بخشد قتل او را بخشد و خبر کردیم  
عز و بنی جوح و عبد الله بن مسعود و عبد الله بن عمرو بن حرام را از انجا برداشته نقل مکان کردند



بدن ایشان سالم برآمده تازه و بوی مشک از آن خاک میرآمد و کعبه بار حرمه رسید خون از آن  
جاری شد از جای معلوم میشود که انبیا و شهدا را بر چند ارواح در اعلی علیین باشد لیکن علامه  
شأن بعد از زیم باشد از آن غیر دیگر از ایشان باشد و بعد از آنها را احبار میگویند و همچنین باشد حاج صدیق  
و صالحان یعنی اولیا و طبرانی از این عمر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله مؤمن که راست  
خط از آن میکند مانند شهدا از دوده بخون است و چنین غیر دیگر نمیشود در قبر او قرطی گفته  
ظاهر آنست که او را خاک نخورد و از این منزه از جابر بن عبد الله روایت کرده که رسول فرمود صلی الله  
علیه و آله کسی که حامل قرآن برسد و حیث میگردد حق تعالی بوی زمین که کوشش او را بخورد زمین  
گوید ابر بر بوی چگونه فورم کوشش او را در خاک کلام خود در گم اوست این منزه گفته که درین  
باب منزه هر سه و این مسوئله نیز روایت و موقوف بر آنست که روایت کرده که ما را رسیده  
که زمین مسطح نشود بر جسد کسی که گناه نکرده باشد اقول منبگان صالح یعنی اولیا و الله که ظهور  
ابدان آنها صلاح یافته اند از گناهان محفوظ و مغفوره اند زمین بر احسان آنها هم مسطح شود  
چنانچه شهدا را که سیف آنها از گناهان پاک کرده است و الله اعلم و الحمد لله رب العالمین و الصلوة  
و السلام علی رسول محمد و آله و اصحابه اجمعین و علی سید المرسلین و علی الملائکة المقربین  
و علی عباده الصالحین رحمهم الله اجمعین فامین السلام مسیح تذکره الیقین منصف  
حضرت مولانا محمد بن ابی بکر مدظلهم